



عملکرد فنی بانکداری داشته باشید و این که توانسته شاخص‌های بانکداری مناسب را ایجاد بکند یا نه.

موسویان: از جهت عملکرد فنی - آن طور که عرض کردم - بحث اول، شاخص جذب سپرده‌های بانکی است، که خود از دو جهت قابل بررسی است، یکی بر مبنای شاخص‌های دنیا که نسبت به آن در چه سطحی است؛ دیگری بررسی تغییرات آن نسبت به زمان قبل از اجرای سیستم بانکداری بدون ربا.

اگر نسبت به قبل از اجرای قانون عملیات بانکداری بدون ربا مقایسه کنیم، می‌بینیم که بانکداری بدون ربا از موفقیت قابل قبولی برخوردار است. برای مثال، سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۶ اوج شکوفایی سیستم بانکداری قبل از انقلاب ایران است. اگر سپرده‌ها و میزان رشد آن‌ها را در این دوره مطالعه کنیم، می‌بینیم بعد از کسر رشد حجم پول، رشد واقعی سپرده‌ها در دوران ۱۳۵۱ تا سال‌های ۱۳۵۶ حدود یک درصد است؛ (می‌دانید که یک رشد اسمی سپرده‌ها داریم و یک رشد واقعی سپرده‌ها؛ اگر رشد حجم پول را از رشد اسمی سپرده‌ها کم کنیم، به رشد واقعی سپرده‌ها می‌رسیم.) یعنی عمده‌تاً سیستم بانکی توانسته در حد یک درصد جذب سپرده واقعی کند. اما بین سال‌های ۱۳۶۳، یعنی بعد از اجرای قانون عملیات بانکداری بدون ربا، تا سال ۱۳۷۴ به یک رقم ۲/۸ می‌رسیم؛ یعنی سیستم بانکی بدون ربا توانسته دو برابر توانایی سیستم ربوی، جذب سپرده کند و این تازه مربوط می‌شود به سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۵ که مردم به خاطر نگرانی که از جوان بودن و تازگی سیستم داشتند، استقبال خوبی از آن نکردند. اگر آمار سال‌های ۱۳۶۵ به بعد را

پویا: خوب است اولین سؤال ما این باشد که نسبت به شاخص‌های ارزیابی عملکرد صنعت بانکداری، وضعیت بانکداری فعلی ما و نقش آن در اقتصاد را چطور می‌بینید؟

موسویان: بسم الله الرحمن الرحیم. مسأله بانکداری ایران را از ابعاد مختلف می‌توان مورد بررسی قرار داد. یکی، بررسی ماهیت آن، به عنوان «بانکداری بدون ربا» است؛ که جدا از نام، آیا واقعاً در عمل هم توانسته ایده و نظریه بدون ربا بودن را تحقق بخشد یا خیر؟ دوم، عملکرد فنی بانکداری است؛ که سیستم بانکی ما با توجه به شاخص‌های مطرح در دنیا در زمینه ارزیابی عملکرد بانک‌ها، آیا توانسته عملکرد قابل دفاعی از خود نشان دهد یا خیر؟ یکی از این شاخص‌ها، بحث میزان موفقیت سیستم بانکی در جذب سپرده‌هاست؛ آیا بانکداری بدون ربا توانسته در حد قابل قبول، سپرده‌های مردم را جذب کند یا خیر؟ دوم، میزان سوددهی است؛ آیا توانسته برای سپرده‌گذاران، سود مناسب بانکی فراهم کند یا خیر؟ و بحث سوم، کیفیت تخصیص منابع است؛ آیا صنعت بانکداری توانسته، منابع و سپرده‌های فراهم شده را به بهترین کیفیت تخصیص بدهد؟ و به عبارت گویاتر، آیا توانسته این منابع مازاد جامعه را به فعالیت‌های مولد تبدیل کند؟ اصولاً نقش اساسی بانک، تبدیل سرمایه‌های راکد و بلا استفاده به موقعیت‌های مولد است. اگر یک نظام بانکی در همه این زمینه‌ها موفق عمل کند، نتیجه نهایی‌اش این می‌شود. پس، از ابعاد مختلف، بحث بانکداری را می‌توان مطرح کرد:

پویا: بیشترین بحث ما درباره «ربوی» بودن بانک‌هاست - که در جامعه هم شبهه آن مطرح شده - اما در ابتدا لطفاً گزارشی اجمالی درباره

بی‌تردید اسلامی شدن همه عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی، از آرمان‌های اصلی، اولیه و همیشه انقلاب و نظام جمهوری اسلامی بوده و هست. در این میان بانکداری اسلامی - از آن جهت که احکام روشن و غیر قابل اغماضی چون حرمت ربا در اسلام وجود دارد - از همان اوایل پیروزی انقلاب اسلامی، از برجستگی و اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد و به همین دلیل، تلاش‌های نظری و عملی بسیاری برای اسلامی‌سازی نظام بانکداری کشور انجام پذیرفت. اما به نظر بسیاری از صاحب‌نظران و به دلایل مختلف که در این گفتگو به تفصیل مطرح شده است، این تلاش‌ها عمدتاً به اسلامی‌سازی صورت بانکداری و نه سیرت آن، منجر شده است.

در این شماره از نشریه به بررسی «توفیق‌سنجی بانکداری اسلامی در نظر و عمل» در گفتگو با حجت‌الاسلام سید عباس موسویان - دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد اقتصاد از دانشگاه شهید بهشتی و پژوهشگر نام‌آشنای بانکداری اسلامی - پرداخته‌ایم.

توفیق‌سنجی بانکداری اسلامی در نظر و عمل

در گفتگو با حجت‌الاسلام سیدعباس موسویان
پژوهشگر و صاحب نظر در بانکداری اسلامی

سیستم بانکی ایران، گاهی حواله دو شعبه از یک بانک در یک شهر، چند روز طول می‌کشد! لذا افراد، ترجیح می‌دهند که داد و ستدهای پولیشان را با غیر سیستم بانکی انجام دهند؛ در حالی که این روش در دنیا غیر معقول به حساب می‌آید که کسی از شهری به شهر دیگر، پول همراه خودش ببرد، اما در ایران، به جهت این که سیستم بانکی، سیستم فعال و پویایی نیست؛ این مشکل هم چنان باقی است؛ اگر چه اخیراً با راه اندازی سیستم‌هایی چون «سیبا» در بانک ملی، تقریباً به این هدف نزدیک می‌شوند و در بعضی از بانک‌های دیگر دارند سیستم‌های مشابهی را طراحی می‌کنند؛ ولی تا موقعی که به آن مرحله برسند، فاصله هنوز زیاد است.

شاخص دوم، بحث سوددهی است که بانکداری بدون ربا چه قدر توانسته سود مناسب به سپرده‌گذاران بپردازد؟ من برخلاف تبلیغاتی که برای تضعیف بانکداری بدون ربا صورت می‌گیرد و مطرح می‌شود که سیستم بانکی قبل از انقلاب، سود واقعی به سپرده‌گذاران می‌داد، اما سیستم بعد از انقلاب، توان پرداخت سود واقعی را ندارد، می‌خواهم عرض کنم که نظام بانکی از این جهت تفاوت چندانی نکرده است؛ البته درصدها آن نسبت به قبل از تغییر قانون عملیات بدون ربا تفاوت کرده؛ اما در اصل مسأله و در اصل مشکل، تقریباً مساوی است. اگر عملکرد بانکداری ربوی را بررسی کنیم، می‌بینیم در سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۶۲ - که سیستم ربوی به حساب می‌آمد - نرخ بهره سپرده‌های بلند مدت، به صورت متوسط ۸/۷ درصد و نرخ تورم حدود ۱۴/۷ درصد است؛ به عبارت روشن‌تر، سیستم بانکی حدود ۶ درصد ضرر به سپرده‌گذاران پرداخت کرده؛ یعنی هر سال، به طور متوسط ۶ درصد ضرر داشته است.

اگر نسبت به قبل از اجرای قانون عملیات بانکداری بدون ربا مقایسه کنیم، می‌بینیم که بانکداری بدون ربا از موفقیت‌های قابل قبولی برخوردار است

استقبال خوبی شد و سپرده‌ها با رشد واقعی ۲/۸ درصدی مواجه شد؛ به این خاطر که مردم احساس نمودند این سیستم، همسو با افکار و عقایدشان است؛ از جهت فرهنگی، اسلامی شده و آن ربای روشن و واضح، دیگر در کار نیست؛ بعداً که اطمینان خاطر نسبت به عملکرد سیستم هم به وجود آمد، استقبال بیش‌تر شد و به رقم ۳/۶ رسید. من احساس می‌کنم این به خاطر تحوُّلی بود که هم از جهت قانونی و هم از جهت اسمی پیش آمد؛ مردم مسلمان بین سیستم بانکی و افکار و اعتقادات خودشان، نوعی احساس هم‌گرایی کردند؛ در نتیجه سپرده‌گذاری رشد خوبی را نشان می‌دهد.

پویا: فکر نمی‌کنید یکی از دلایل، عدم اعتماد مردم به شرکت‌های مضاربه‌ای و غیر دولتی باشد، که سرمایه زیادی از مردم جذب کرده و ورشکست شدند و دیگری، دولتی بودن اقتصاد ایران؟! فکر نمی‌کنید این دو عامل، دخالت داشته باشد؟

موسویان: فی نفسه این حرف درست است. علت این که این مقدار سپرده‌گذاری در بانک‌ها در ایران هست - چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب - به خاطر نبود سازمان‌های بدیل قوی است؛ نه در بازار سرمایه و نه در بازار پول. مثلاً بازار سهام قوی، بازار بورس قوی، اوراق مشارکت فعال و قوی وجود ندارد.

پویا: بله چون این سازمان‌ها را نداریم، لذا عمده سپرده‌گذاران به سمت بانک‌ها می‌آیند؛ **موسویان:** این فی‌نفسه قبول است. اما در مقایسه قبل و بعد از انجام عملیات بانکداری بدون ربا، از این حیث که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم نسبت به آن عوامل، تحوُّلی رخ نداده است؛ یعنی همان بازار بورسی که داشتیم، ادامه دارد. همان ابزارهای رقیب در بازار پول و سرمایه را که نداشتیم، الان هم نداریم؛ ولی می‌بینیم با تغییر قانون، تحوُّلی رخ می‌دهد و سپرده‌ها با رشد چشمگیری نسبت به قبل، افزایش می‌یابد.

پویا: اما در مقایسه با سیستم بانکداری بین‌المللی دنیا وضعیت چگونه است؟ **موسویان:** اما در مقایسه با سیستم بانکداری بین‌المللی دنیا، موفقیت سیستم بانکداری ایران - به جهت تنگنانهایی که در جهت سپرده‌ها هست - در حد نظام‌های بانکداری پیشرفته نیست. علت آن هم گُندی بانک‌هاست؛ در حال حاضر، سیستم بانکی دنیا به صورت لحظه‌ای عمل می‌کند. شما، همان لحظه که از این طرف کشور پول، واریز می‌کنید مشتری در آن طرف کشور، می‌تواند پول را برداشت کند؛ اما در

بررسی کنیم، (حدود ۲ تا ۳ سال بعد از اجرای سیستم جدید) مردم به آن اعتماد کامل پیدا کردند و این رقم به ۳/۶ رسید؛ یعنی چیزی حدود ۳/۵ برابر سیستم ربوی! **پویا:** این جذب سپرده‌ها بیشتر به خاطر سیاست‌های اتخاذ شده است، یا صرفاً به خاطر دغدغه مردم در به کار بستن سرمایه‌هاشان و عدم اطمینان خاطر به مراکز دیگر؟!

موسویان: بانک یک بنگاه اقتصادی است و قطعاً باید قبل از جذب پول، برنامه برای خرج کردن آن داشته باشد و گرنه پول می‌آید و در آن جا انباشته می‌شود و علاوه بر آن سودی هم باید بابت پول‌ها بدهد که هیچ بنگاه عاقل اقتصادی این کار را نمی‌کند؛ بنابراین، بانک اگر جذب منابع داشته، زمینه برای تخصیص منابع هم داشته است. در طول دوره بانکداری ایران بعد از انقلاب، بانکی نداشتیم که با حجم مازاد سپرده‌ها مواجه شده باشد؛ بنابراین اگر سپرده‌گذار، پول در بانک سپرده‌گذاری می‌کند، بانک آن را در جای مفیدی به سرمایه‌گذاری تبدیل می‌کند؛ پس جامعه توان جذب سرمایه‌گذاری را داشته که بانک، اقدام به جذب سپرده و تخصیص منابع کرده است و گرنه معنی ندارد که بانک با تبلیغات وسیع و پرهزینه، مردم را تشویق کند که: بیایید در بانک سپرده‌گذاری کنید! که چی؟! آن جا ثابت بماند؟! این اصلاً معقول نیست. بنابراین زمینه‌ای بوده؛ لکن این مطرح است که مثل همه دنیا مردم، توان سرمایه‌گذاری در امور مفید و مولد را ندارند و بانک‌ها نیز با همین هدف شکل می‌گیرند که سرمایه آن گروه از مردم را که علاقه ندارند یا سرمایه‌هایشان اندک است، جذب کند و به دست افراد توانمندی بسپارد که می‌توانند آن سرمایه‌ها را به فعالیت‌های مفید و سود آور تبدیل کنند و گرنه اصلاً نیازی نیست که پول‌ها آن جا متراکم شود و با این کار، امر غیر عقلایی رخ می‌دهد.

پویا: حالا به نظر شما علت رشد سه برابری سپرده‌ها چه بوده است؟

موسویان: نکته اصلی همان اعتماد فرهنگی مردم است. قبل از انقلاب، به جهت آن که سیستم، کاملاً ربوی بود و براساس قرض ربایی عمل می‌کرد، مردم متدین، علاقه‌ای به همکاری با بانک‌ها نداشتند و اگر سپرده‌گذاری می‌کردند، بیش‌تر در حساب‌های جاری بود تا حساب‌های سرمایه‌گذاری و پس انداز؛ بعد از تصویب قانون عملیات بانکداری بدون ربا، با وجود نااطمینانی مردم به عملکرد سیستم جدید، نسبت به قبل از انقلاب،

بعد از اجرای عملیات بانکداری بدون ربا، نرخ سود بانکی برای سپرده‌های بلند مدت، به طور متوسط ۱۴/۲۶ درصد بوده، در حالی که نرخ تورم ۲۱/۷۶ درصد بوده است. یعنی به طور متوسط ۷/۵ درصد ضرر داده است. می‌بینیم که هر دو نظام از جهت عملکرد سود واقعی، مشکل دارند و برای سپرده‌گذاران، حتی سپرده‌گذارهای بلند مدت هم، که بالاترین سود بانکی را دریافت کرده‌اند، هم سیستم ربوی و هم سیستم بدون ربا ناتوان بوده و سود منفی برای سپرده‌گذاران به ارمغان آورده است. و این دلایل مختلفی دارد که هم در آن زمان، و هم در این زمان حاکم بوده است؛ مثل ساختار نظام بانکی، دولتی بودن آن و وجود تسهیلات تکلیفی (یعنی دولت مسؤلیت‌های خودش را به شبکه بانکی تحمیل می‌کند و باعث می‌شود مسؤلیتی را که باید خودش عهده‌دار باشد و از محل بیت‌المال و بودجه دولت تأمین کند، به شبکه بانکی تحمیل کند؛ در نتیجه سود شبکه بانکی را کاهش دهد) بنابر این، براساس شاخص دوم - میزان سوددهی - بانکداری بدون ربا، نسبت به سیستم ربوی، عملکرد قابل قبولی نشان نمی‌دهد.

بر اساس آمارهای رسمی که اعلان می‌شود، می‌توان گفت که سیستم بانکی بدون ربا در تخصیص منابع نسبت به سیستم بانکداری ربوی قبل از انقلاب، بهتر عمل کرده است

پویا: فکر نمی‌کنید، یکی از عوامل به ساختار کل اقتصاد ما برمی‌گردد که تولیدی نیست و در آن فعالیت غیر مولد، سود بیش‌تری دارد و...؟!
موسویان: بله! بخشی از آن به بحث شاخص سوم مرتبط است که توضیح خواهم داد؛ ولی عمده‌تاً به آن برمی‌گردد که شبکه بانکی موظف است منابع خود را به سمت فعالیت‌هایی ببرد که دولت، سود را در آن جا شدیداً کنترل می‌کند؛ در نتیجه سیستم بانکی نمی‌تواند سود مناسب اقتصادی را - که ممکن است به صلاح جامعه باشد - پرداخت کند؛ اما وقتی که به بانک، به عنوان یک بنگاه اقتصادی نگاه کنیم، می‌بینیم آن سود برای بنگاه کافی نیست در نتیجه سود سپرده‌گذار هم افت پیدا می‌کند.

در مقام مقایسه اگر به سیستم بانکداری بین‌المللی نگاه کنیم، غالب بانک‌های دنیا سود واقعی مثبت دارند. مثلاً در سال ۲۰۰۰ نرخ بهره اسمی آلمان ۹/۱۶ و نرخ تورم ۱/۹ بوده؛ یعنی سیستم بانکی آلمان

برای سپرده‌های بلند مدت ۷/۷ درصد سود واقعی پرداخته؛ در آمریکا نیز نرخ بهره‌های اسمی با ۹/۲ درصد است و تورم ۳/۴ درصد سیستم بانکی برای سپرده‌گذارهای بلند مدت، توانسته ۵/۸ درصد واقعی سود بپردازد؛ همین‌طور کشورهای انگلستان، فرانسه، ایتالیا، کانادا و ژاپن، همه این‌ها سودهای واقعی و مثبت داشته‌اند.

کشورهای اسلامی مثل مالزی، سنگاپور و عربستان سعودی نیز قابل بررسی است، مثلاً سیستم بانکی عربستان سعودی ۷/۵ درصد بهره واقعی به سپرده‌گذاران داده است. یا در ترکیه بهره‌های اسمی ۵۶/۷ درصد است؛ یعنی سود سپرده‌های اسمی ۵۶/۷ درصد و نرخ تورم ۵۵ درصد است؛ بالاخره توانسته برای سپرده‌گذاران ۱/۷ سود مثبت بپردازد. در بقیه کشورها هم که مطالعه کنید - در سال ۲۰۰۰ از حدود ۲۱ همه کشورها به سپرده‌گذاران، سود مثبت داده‌اند. بنابراین سیستم بانکی ما - به دلایلی که عرض شد - نه تنها نتوانسته است از جهت سود دهی، سود مناسبی بپردازد، بلکه برعکس، هر ساله به سپرده‌گذاران ضرر واقعی پرداخت کرده، یعنی ارزش واقعی پول آن‌ها را کاهش داده است!

پویا: یکی از چیزهایی که در این مقایسه وجود دارد نرخ‌های تورم است، در کشورهایی که نرخ تورم پایین است بانک‌ها می‌توانند سودی بالاتر از تورم بپردازند اما در کشورهایی مانند ایران که تورم به صورت چهار نعل می‌تازد بانک‌ها چگونه می‌توانند به آن برسند؟
موسویان: بله! یکی از مشکلات اساسی سیستم بانکی ایران همین است؛ اگر بانک یک باره سود ۳۰ یا ۳۵ درصدی اعلام کند، برای مردم قابل تحمل نیست؛ در جامعه مشکلات زیادی ایجاد می‌کند. از یک طرف هر سال به پنهان کنترل تورم نرخ سودها را کنترل می‌کند و از طرف دیگر، نرخ تورم قابل کنترل نیست و آزادانه می‌تازد! یکی دیگر از مشکلات بحث تسهیلات تکلیفی است؛ الان بیش از ۱۰ سپرده‌های بانکی، تحت اختیار دولت و مجلس است؛ گرچه طبق قانون عملیات بانکداری بدون ربا، بانک‌ها وکیل سپرده‌گذارانند نه وکیل دولت و مجلس و طبق قانون، باید سپرده‌ها را در جاهایی سرمایه‌گذاری کنند که سود مناسب برای سپرده‌گذاران به ارمغان بیاورند؛ لکن در عمل چنین نیست، وقتی حادثه‌ای رخ می‌دهد، سیلی، زلزله‌ای می‌آید یا بحث حمایت از اقشار آسیب‌پذیر مطرح می‌شود، دولت به عنوان حمایت از آنها به آسان‌ترین کار دست می‌زند؛ به

بانک‌ها تکلیف می‌کند که فلان مقدار وام‌های با سود اندک در اختیار مثلاً کشاورزان، سیل زده‌ها، زلزله‌زده‌ها و... بگذارند و در این موارد گاهی نه تنها نرخ پایین سود حتی اصل منابع هم به شبکه بانکی بر نمی‌گردد، در حالی که دولت موظف است این حوادث را نه از سپرده‌های مردم بلکه از منابع دیگر تأمین کند.

پویا: حساب‌های قرض الحسنه نمی‌تواند به بانک‌ها کمک کنند؟!
موسویان: مسئله بیش از این حرف هاست!

سپرده‌های قرض الحسنه شبکه بانکی، چیزی حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد است؛ ولی تسهیلات تکلیفی حدود ۳۳ تا ۳۵ درصد؛ بعضی وقت‌ها حتی به ۴۰ درصد هم رسیده، که بانک‌ها به صورت تکلیفی، اعطای تسهیلات کرده‌اند. و این از عواملی است که بانک‌ها نتوانند وارد فعالیت‌های بازاری شوند و سود مناسب به ارمغان آورند.

شاخص سومی که می‌توان سیستم بانکی را از جهت فنی ارزیابی کرد، بحث تخصیص بهینه منابع است؛ این که منابع جمع شده در بانک، در کجا سرمایه‌گذاری می‌شود؟ به کدام یک از بخش‌های اقتصادی، تسهیلات داده می‌شود؟ بخش‌های کشاورزی و صنعت، به عنوان بخش‌های مفید و مولد اقتصادی هستند؛ بخش‌های ساختمان و مسکن نیز تقریباً نیمه مولدند و بخش‌های خدمات و بازرگانی، عمدتاً بخش‌های مصرفی و یا نزدیک به مصرف به حساب می‌آیند. هرچه سهم سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و صنعت بالاتر باشد، انتظار می‌رود که آن کشور رو به رشد و آبادانی باشد و برعکس، هر قدر پس اندازه‌های جامعه را به سمت بازرگانی سوق دهیم، در حقیقت بحث واردات و مصرف را فعال کرده‌ایم، البته بخش مسکن بینابین است؛ می‌توان آن را هم به عنوان مولد و هم به عنوان مصرف مطرح کرد.

آمارهای سیستم بانکی قبل از انقلاب (دهه ۵۰) نشان می‌دهد بخش بازرگانی و خدمات با ۳۹/۵ درصد، رتبه اول را دارد؛ یعنی حدود ۳۹/۵ درصد منابع بانکی در اختیار بخش بازرگانی و خدمات بوده! صنعت و معدن با ۲۲ درصد در رتبه دوم، مسکن با ۱۶/۱ درصد در رتبه سوم و بخش کشاورزی تنها با ۸/۶ درصد در رتبه چهارم قرار داشته؛ یعنی تقریباً ۴۰ درصد به بخش بازرگانی و ۱۶ درصد به بخش مسکن اختصاص داشته است، بنابر این بیش از نیمی از اعتبارات بانکی در خدمت مصرف جامعه و کمتر از نیم آن در اختیار تولید

بوده است. بعد از عملیات بانکداری بدون ربا، وضع تقریباً عکس می‌شود. بخش مسکن با ۳۰/۴ درصد در رتبه اول، بخش صنعت و معدن با ۲۷/۳ درصد در رتبه دوم، کشاورزی با ۱۶/۷ درصد در رتبه سوم و بازرگانی و خدمات نیز با حدود ۱۶ درصد در رتبه چهارم قرار دارد.

پویا: البته واقعاً این طور عمل نمی‌شود و به دلایل مختلف از جمله ساختار غلط اقتصادی، بخشی از این تسهیلات در مورد خودش به کار نمی‌رود.

موسویان: آمار دقیقی در دست نیست که مثلاً چند درصد این اعتبارات، واقعاً به همان اسمی که گرفته می‌شوند، در همان مورد هم تخصیص داده بشوند. آمارهای موجود دقیق نیست ولی دورنمایی را نشان می‌دهد. بنابر این وقتی در بحث تخصیص منابع، جمع‌بندی می‌کنیم، می‌بینیم که بخش بازرگانی - که قبلاً رتبه اول را احراز می‌کرد - الان در رتبه چهارم قرار می‌گیرد و سهم بخش کشاورزی نیز تقریباً دو برابر شده است. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت، تقریباً بیش از ۶۰ درصد تسهیلات بانکی در اختیار بخش مولد اقتصادی قرار گرفته است. از این حیث براساس آمارهای رسمی که اعلان می‌شود، می‌توان گفت که سیستم بانکی بدون ربا در تخصیص منابع نسبت به سیستم بانکی ربوی قبل از انقلاب، بهتر عمل کرده است. در زمینه اعطای تسهیلات بحث دیگر که در توزیع عادلانه ثروت‌ها و منابع نقش دارد سود تسهیلات بانکی است. وضعیت نسبت به قبل از انقلاب بهتر است. چون قبل از انقلاب برای بخش‌های مختلف، تقریباً نرخ‌های یکسانی حاکم بوده، اما بعد از انقلاب، بین بخش‌ها نرخ‌های ترجیحی مطرح است مثلاً در طول سال‌های ۱۳۶۳ تا امروز، نرخ‌ها با هم متفاوت است. در همین سالی که گذشت، سال ۸۱ و ۸۲ برای بخش بازرگانی ۲۲ درصد، بخش صنعت ۱۷، بخش صادرات ۱۶، بخش مسکن ۱۵ و برای بخش کشاورزی ۱۴ درصد سود در نظر گرفته‌اند؛ این نشان می‌دهد که دولت و سیستم بانکی، در درجه اول، در صدد حمایت از بخش کشاورزی بوده و بخش‌های مسکن، صادرات و صنعت در درجه دوم و بخش بازرگانی و خدمات - که تقریباً سودآورترین بخش اقتصادی در ایران، به حساب می‌آید - در رتبه سوم قرار گرفته است و نرخی که برای آن‌ها در نظر گرفته شده، نرخ بالایی است. منتهی نکته‌ای که متأسفانه این تصمیم‌ها را خراب می‌کند و حتی گاهی نتیجه عکس می‌دهد، بحث صوری شدن عملیات بانکی

است. بنابراین، در یک جمع‌بندی می‌شود ادعا کرد که بانکداری بدون ربا از جهات فنی در بحث جذب سپرده‌ها نسبت به قبل از انقلاب، کاملاً موفق بوده؛ اما با صنعت بانکداری در دنیا، هنوز فاصله دارد. در بحث اعطای سود واقعی به سپرده‌گذاران هم قبل از انقلاب و هم بعد از عملیات بانکداری بدون ربا، معمولاً به طور متوسط، در بعضی از سال‌ها، ضرر به سپرده‌گذاران داده است و این ضرر هم در حدی است که واقعاً باید نسبت به آن فکر اساسی کرد. از جهت تخصیص منابع، طبق آمارهای اسمی، اگر چه نسبت به قبل از انقلاب بهتر شده است، اما وجود قراردادهای صوری، مانع از این است که ببینیم واقعاً تخصیص منابع به همین شکلی است که در آمارها و اطلاعات رسمی سیستم بانکی می‌آید؛ یا در واقع غیر از این هاست.

پویا: برای این که بانکداری بدون ربا با معیارهای بین‌المللی هماهنگی داشته باشد، چه مشکلاتی وجود دارد و چه تدابیری باید اندیشید؟

موسویان: برای این که به سیستم بین‌المللی نزدیک شویم، باید در الگوهای نظری و شیوه‌های عملی بانکی، تغییرات اساسی ایجاد کنیم. در سال ۶۲ که قانون عملیاتی بدون ربا در مجلس تصویب شد، مخبر کمیسیون اعلام کرد این قانون، قانون موقتی است؛ برای این که سیستم بانکی از حالت ربوی محض بیرون بیاید، فعلاً آن را اجرا می‌کنیم تا مطالعات تکمیلی و اصلاحی در کنار آن صورت گیرد و در آینده، الگوها و قوانین کاملتری را ارائه خواهیم کرد. تاکنون حدود ۲۰ سال از تصویب و اجرای این قانون می‌گذرد، ولی مطالعات تکمیلی جدی درباره آن صورت نگرفته است. تنها جایی که من سراغ دارم که مطالعاتی در این باره دارد، کمیته‌ای است تحت عنوان «کمیته بازنگری در قانون بانکداری بدون ربا» که طی حدود یک سال فعالیت، چند پیشنهاد مختصر داشته است. لازم است در کنار عملیات بانکداری بدون ربا یک تیم کامل رسمی فقهی و کارشناسی شکل گیرد، این گروه، کل قانون عملیات بانکداری بدون ربا را مورد بحث و بررسی قرار دهد. الگوهای مختلفی از بانکداری اسلامی را طراحی کند و به صورت تجربی، آن‌ها را در بانک‌های محدود به آزمایش گذارد، و عملکردشان را بررسی کند؛ سپس از میان الگوهای مختلف، الگو یا الگوهایی که بهترین جواب را می‌دهد، گزینش کند سپس به فکر توسعه آن‌ها باشد.

در قدم اول که بحث تصویب قانون عملیات

بانکی بدون ربا بود، چاره‌ای نبود؛ چون سیستم کاملاً ربوی بود، کشور هم کشور اسلامی بود؛ نمی‌شد اجازه داد حتی یک شعبه از یک بانک، تحت عنوان سیستم ربوی عملیات کند. اما حالا که این قانون تصویب شده و این سیستم تا حدودی عوض شده و حداقل اسم بانکداری ربوی نیست، این فرصت به وجود آمده که ما الگوهای مختلفی را طراحی کنیم؛ به تدریج در محدوده‌های مشخص و قابل مطالعه، به اجرا گذاریم؛ عملکرد آن‌ها را از جهت فنی بیازمائیم و بعد در صورت موفقیت، توسعه دهیم.

پویا: لطفاً منظورتان را از الگوهای مختلف توضیح بدهید.

موسویان: در معاملات اسلامی انواعی از معاملات داریم که اسلام آن‌ها را مجاز می‌شمارد؛ با هر گروه از این انواع معاملات، می‌شود الگویی از بانکداری اسلامی را طراحی کرد؛ در مقاله‌ای که جهت چهاردهمین همایش بانکداری اسلامی ارائه کرده‌ام، چهار الگوی بانکداری اسلامی بدون ربا را پیشنهاد نموده و گفته‌ام که بانکداری اسلامی منحصر به الگوی فعلی نیست؛ ما می‌توانیم یک بانکداری با سود

ثابت اسلامی طراحی کنیم بر اساس معاملات شرعی؛ چه در طرف جذب سپرده‌ها و چه در طرف اعطای تسهیلات تا با سودهای ثابت و مشخص کار کنند. برای بانک‌های خصوصی - که الان می‌خواهد راه بیفتد - به نظر من بهترین الگو همین است که با معاملات محدود شروع کنند مثلاً با ۲ تا عقد شرعی، جذب سپرده و با ۵ عقد شرعی اعطای تسهیلات کنند؛ آن هم با سودهای ثابت و

برنامه‌ریزی شده. این یک الگو است. الگوی دوم با استفاده از عقود مشارکتی است که عمده‌تاً براساس مشارکت در سرمایه‌گذاری‌ها طراحی شده است. بانکی است که با جذب سپرده‌های مشارکتی و اعطای تسهیلات براساس عقود مشارکتی مثل مضاربه، مشارکت مدنی و مشارکت حقوقی، سرمایه‌گذاری مستقیم، خرید و فروش سلف و... که در بازار واقعی سرمایه‌گذاری می‌کند.

قانون بانکداری فعلی همه را با هم درآمیخته است. پیشنهاد من این بود که

در یک جمع بندی
می‌شود ادعا کرد که
بانکداری بدون ربا
از جهات فنی
در بحث جذب سپرده‌ها
نسبت به قبل از
انقلاب، کاملاً موفق
بوده، اما با
صنعت بانکداری
در دنیا هنوز
فاصله دارد

داشته باشد که بتواند این ۱۰٪۰۰۰ قرارداد را کنترل کند! باید ساختار بانک‌ها عوض شود، برای مثال بانک‌های تخصصی بیايند تسهیلات تخصصی بدهند و بانک‌های عمومی تسهیلات عمومی برای مردم اعطا کنند تا بتوانند با نیرو و هزینه اندکی قراردادها را نظارت و

کنترل کنند.

بحث بعدی، آموزش‌های مناسب است که هنوز تحقق نیافته. متأسفانه خیلی از کارگزاران بانک‌ها، هنوز واقعاً نحوه اجرای صحیح قراردادهایی مانند جعله را نمی‌دانند و به آنها آموزش مناسب داده نشده است.

پویا: اگر اجازه بدهید در مورد مسأله اول، نکته‌ای عرض شود که در واقع به همان نقاط گرانگاز بحث می‌رسیم. این که شما اشاره کردید یکی از علت‌های مهم عدم موفقیت بانک‌ها دغدغه‌های شرعی است که در متشرعان ایجاد شده؛ شاید یکی از نقش‌های اصلی‌اش همین باشد که ساختار بانک - همان طور که شما اشاره کردید - برای عقودی که هست، تسبیب نشده و برای سیستم ربوی طراحی شده است. توضیح بدهید آیا می‌توان گفت که اصلاً در اسلام، چیزی به نام بانک - به این معنا - نداریم؟ و اصولاً این سیستم، چقدر با موازین شرعی و فقهی، که در رساله‌ها نوشته شده، سازگار است؟!

موسویان: ببینید، فقها و اندیشمندان اسلامی نوعاً در مواجهه با نهادها و سازمان‌هایی که جدید به وجود می‌آید، روش برخوردشان این طور بوده است؛ ابتدا بررسی می‌کردند که هدف این نهاد چیست؟ آیا آن هدف، هدف فاسدی است یا این که هدف پسندیده‌ای است؟ اگر هدف مقبول بود به روش اجرا نگاه می‌کردند که ممکن است اشکال داشته باشد، بعضی از نهادهایی که در غرب به وجود آمده، اصلاً از جهت هدف فاسد است، مثل قمارخانه‌ها و مراکز فحشا و فسادی که به شکل جدید تأسیس شده است؛ اما بانک از جهت هدف، مشکل ندارد. بانک شکل گرفته، تا سرمایه‌های راكد جامعه را جذب کند و به دست نیروهای مولدی که سرمایه ندارند، برساند؛ تا آن‌ها با استفاده از این سرمایه‌ها به فعالیت اقتصادی بپردازند. بنابراین اصل هدف بانک از نظر اسلام، مشکلی ندارد و در تاریخ اسلام هم مواردی می‌بینیم - به صورت اشخاص حقیقی یا حتی بنگاه‌هایی

این اجرا را از هم تفکیک کنید و دو مدل از آن به وجود آورید و بعد هم آن دو مدل را در جامعه اجرا کنید؛ ببینید در شرایط فعلی ما کدامیک جواب می‌دهد. چون هر دو مدل، اسلامی هستند. هم فروش اقساطی با سود ثابت اسلامی است. هم سلف با نرخ‌های تثبیت شده،

اسلامی است. هم مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، مزارعه، مساقات با سود متغیر اسلامی است. با هر گروه از عقود، اسلامی می‌شود مدلی از بانکداری طراحی کرد که مقتضای خودش را دارد.

یک نوع از بانک‌ها با استفاده از عقود مبادله‌ای است. عقودی که بانک، وقتی معامله کرد کارش تمام است. دیگر لازم نیست کنترل کند، برای مثال وقتی کشاورزی به صورت اقساطی از بانکی، تراکتوری می‌خرد بانک کاری ندارد که کشاورز از آن کجا و چگونه استفاده می‌کند. این یک مدل است مدل دوم با استفاده از عقود مشارکتی است که نیاز دارد بانک بعد از معامله نظارت و کنترل داشته باشد. مدل دیگر الگوی جامع است. بانک‌های بزرگ دولتی می‌توانند از الگوی جامع، که الان تصویب شده، استفاده کنند؛ این مطالبی است که به ذهن بنده رسیده است. ممکن است کسی بتواند با ترکیب عقود دیگر، بانک اسلامی دیگری را تعریف کند و الگویی جدید مطرح کند؛ باید الگوهای مختلف را طراحی کنیم و به آزمایش بگذاریم، ببینیم که با شرایط فعلی اقتصادی ایران، با روحیات فعلی مردم، کدام الگو جواب می‌دهد؛ بعداً آن را توسعه دهیم. قانون عملیات بانکداری بدون ربا آمده چهارده تا عقد را در طرف اعطای تسهیلات فهرست کرده است، که این عقدها با هم سازگار نیست. یکی، فروش اقساطی است که سود ثابت دارد؛ یکی مشارکت مدنی است که بانک باید به عنوان شریک، سر پروژه حاضر بشود، ببیند این کارخانه چه طور کار می‌کند؟ مواد اولیه‌اش را چند می‌خرد؟ محصولش را چه طور تولید می‌کند؟ چند می‌فروشد؟... که البته بانک، این کار را نمی‌کند و به صورتی شدن معاملات، منجر می‌شود. بنابراین، اولین پیشنهاد این است که باز نگری جدی پیرامون قانون عملیات بانکداری بدون ربا صورت گیرد؛ الگوهای به روز طراحی شود در محدوده‌های کنترل شده به اجرا در بیاید و عملکردشان دقیقاً تحلیل شود که

ما قانون را
عوض کردیم، اما
ساختار بانکداری را عوض
نکردیم!
سازمانی طراحی شده بود
که معاملات ربوی
انجام دهد
همان سازمان را با
تمام عناصرش حتی
با روش حسابداری اش
حفظ کردیم

کدام الگو بهتر جواب می‌دهد. دومین بحث در شرایط فعلی، اصلاح ساختاری است. ما قانون را عوض کردیم، اما ساختار بانکداری را عوض نکردیم! سازمانی طراحی شده بود که معاملات ربوی انجام دهد همان سازمان را با تمام عناصرش حتی با روش حسابداری اش حفظ کردیم، می‌خواهیم مشارکت مدنی را با آن سازمان، اجرا کنیم؛ معلوم است که جواب نمی‌دهد. بعد از تغییر قانون، در قدم بعدی لازم بود برای اجرای معاملات حقیقی تغییر ساختار بدهیم. اصولاً یکی از دلایل این که بانک‌ها به سمت معاملات صوری کشیده می‌شوند، این است که این ساختار، جواب نمی‌دهد. فرضاً شعبه خاصی از یک بانک می‌خواهد در طول سال ۱۰٪۰۰۰ مورد اعطای تسهیلات کند؛ براساس سیستم قرض ربوی، راحت می‌توانست ۱۰٪۰۰۰ تا قرارداد منعقد کند، قرض ربوی بدهد و اقساطش را ماهیانه بگیرد. اما حالا که می‌خواهد ۱۰٪۰۰۰ تسهیلات براساس فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف، مشارکت مدنی، جعله اعطا کند هر کدام مقتضای خودش را دارد، باید این بانک ده‌ها کارشناس

تعریف کنیم که با دو عقد، سپرده جذب کند با چهار عقد هم اعطای تسهیلات کند، این شیوه را هم سریع یاد می‌گیرد و هم آن را دقیق اجرا می‌کند؛ نظارت بر آن هم راحت‌تر است. روی این حساب، با یک فرض من هم معتقدم به وجود آمدن بانک‌های خصوصی می‌تواند کمکی برای اسلامی کردن بانک‌ها باشد؛ اما اگر وضعیت فعلی را با همه این ترتیب‌ها و مشکلات و پیچیدگی‌های قوانین بخواهیم حفظ کنیم و نظارت و کنترلی هم نداشته باشیم، به وجود آمدن بانک‌های خصوصی از این جهت، قدم مثبتی نمی‌تواند باشد.

پویا: سؤال بسیار مهمی که در این جا مطرح است و دین‌داران نسبت به آن دغدغه و حساسیت دارند، این است که آیا سیستم کنونی بانکداری مطابق با موازین شرع هست؟ و اگر قانون بانکداری بدون ربا و عقود که در آن هست، با شرع مطابقت دارد، سیستم بانکداری ما چقدر در اجرای آن موفق بوده است؟!

موسویان: همان طور که فرمودید، خود قانون عملیات بانکداری بدون ربا برگرفته از فقه اسلامی است و مشکلی ندارد. بعد از تصویب در مجلس شورای اسلامی، به تأیید فقهای شورای نگهبان هم رسیده؛ در زمان خود حضرت امام(ره) نیز مطرح شده است به تأیید نظر ایشان هم رسیده مراجع وقت، از جمله: حضرت آیه الله اراکی و حضرت آیه الله گلپایگانی انطباق این قانون با فقه شیعه را تأیید کرده‌اند. بنابراین، قانون عملیات بانکداری بدون ربا از نظر فقهی مشکلی ندارد. تنها موردی که مقداری مورد بحث بود، بحث خرید دین یا تنزیل است که آن زمان، حضرت امام بشخصه، روی آن نظر داشتند. به همین خاطر از سال‌های ۱۳۶۵ به بعد، در عملیات بانکداری از آن استفاده نشد. موضوع دیگر بحث جریمه تأخیر است که در خود قانون عملیات بانکداری نیامده است.

پویا: ظاهراً موضوع خرید دین از جهت درصدی هم نقش زیادی نداشته است.

موسویان: بله! حتی به حد یک درصد هم نمی‌رسد و عمدتاً مانده سال‌های قبل است. از سال ۶۵ به بعد به جهت این که احتمال صوری بودن سفته‌ها و اسناد تجاری زیاد بود و حضرت امام هم از جهت فقهی روی آن نظر مخالف داشتند اجرای خرید دین از عملیات بانکی کنار رفت. بحث جریمه تأخیر نیز چنانچه عرض شد، در خود قانون عملیات بانکداری بدون ربا نیست، بلکه بعداً در شورای پول و اعتبار و در شورای نگهبان مطرح شده و به قانون ملحق شده و الان براساس مصوبه مجمع تشخیص مصلحت، عمل می‌شود.

مصرف کند؟ سود آوری‌اش چقدر است؟ در طول مدت قرارداد، مدام نظارت کند، خسارت‌های وارد شده، خسارت‌های اتفاقی، سودهای به وجود آمده و... را باید نظارت و کنترل کند؛ در حالی که در قرض ربوی، اصلاً هیچ مسؤلیتی نداشت؛ حالا این ساختار را اگر بخواهیم در مشارکت مدنی به کار ببریم، قطعاً جواب نمی‌دهد و به صوری شدن معاملات منجر می‌شود.

پویا: آیا بانک‌های خصوصی می‌توانند در این شرایط کمک کنند؟

موسویان: خصوصی کردن بانک‌ها با حفظ ساختار فعلی، اگر مشکلی را اضافه نکند، حداقل از آن کم نمی‌کند. بله! اگر ساختار را تغییر دهند، انواعی از بانک‌ها را طراحی کنند؛ این جا بانک‌های خصوصی چه بسا کمک کنند. در ایران، ذهنیتی شکل گرفته که فکر می‌کند هر کسی که دولتی است، حتماً اسلامی است و هر کسی که خصوصی است، حتماً غیر اسلامی است! پس اگر معاملات بانکی را به بانک‌های خصوصی دادیم، حتماً ربوی خواهد بود و اگر دست دولت باشد، حتماً غیر ربوی خواهد بود؛ در حالی که عملکرد نشان داده که خیلی از بخش خصوصی‌ها نسبت به بعضی از دولتی‌ها، متدین‌تر عمل می‌کنند بنابراین، این که ما بگوییم اگر بانک‌ها را دولتی نگهداریم، حتماً اسلامی‌تر خواهند بود مقبولیت آماری ندارد چه بسا اگر بانک‌ها را به افراد قابل اعتماد و اطمینان واگذار کنیم دولت فقط بر آن نظارت کند، اسلامی‌تر

- وجوه مازاد مردم را جذب می‌کردند و به دیگران جهت فعالیت‌های اقتصادی می‌دادند. پس مهم، رابطه بنگاه واسطه با صاحبان وجوه و نیز رابطه آن با گیرنده‌های تسهیلات است. بنابراین این بانک غربی به عنوان یک نهاد از حیث هدف از دیدگاه اسلام مشکل ندارد، اما از جهت شیوه ارتباط، مشکل دارد؛ چون در بانکی که در غرب به وجود آمده، رفتار ارتباطی که بین سپرده‌گذاران و بانک وجود دارد، غیر از سپرده جاری، بقیه موارد قرض با بهره است که ربا و از نظر اسلام ممنوع است رابطه‌های هم که بانک با گیرنده‌های تسهیلات دارد همه قرض با بهره است که باز ربا و از نظر اسلام ممنوع است.

روی این حساب، متفکران اسلامی به فکر افتادند که اصل این نهاد با این هدف را حفظ کنند، اما رابطه حقوقی را که بین سپرده‌گذار و بانک و بین بانک و گیرنده تسهیلات وجود دارد، عوض کنند و از معاملات شرعی استفاده کنند. منتها مشکلی که در بانکداری بدون ربا ایران و نیز در بعضی از بانک‌های اسلامی دنیا به وجود آمده، این است که از عقود مناسب استفاده نشده است. نمی‌دانند بین سپرده‌گذار و بانک از چه عقدی و بین بانک و گیرنده تسهیلات از چه معامله شرعی باید استفاده کرد که آنان را صحیح و سریع‌تر به آن هدف برساند.

اعتقاد بنده این است که در طراحی عملیات بانکداری بدون ربا - مخصوصاً در بخش دوم، یعنی رابطه بین بانک و گیرنده تسهیلات - از عقود کارآمد استفاده نشده است. اسلام، معاملاتی را که طراحی کرده، برای اداره کل جامعه است؛ فقط بانک را ندیده است، بخش‌های مختلف جامعه را دیده و عقود را تأیید کرده که برخی از آن عقود، برای معاملات بانکی مناسب است؛ ما باید آن‌ها را پیدا کنیم.

در قانون عملیات بانکداری بدون ربا هر عقد مجازی را که مختصر تناسبی دارد، آورده‌اند، در حالی که باید از میان آن‌ها گزینش کنیم و روی عقود دیگری هم، که از آن‌ها غفلت شده، کار کنیم؛ چه بسا عقدهای دیگری را هم می‌شود طراحی کرد، که راحت‌تر به آن هدف برسیم. بعد از این که عقود مناسب را پیدا و طراحی کردیم، نوبت طراحی یک ساختار مناسب می‌رسد. ساختاری که براساس قرض با بهره طراحی شده، قطعاً برای مشارکت مدنی به درد نمی‌خورد؛ چون اصلاً مشارکت مدنی یعنی مشارکت بانک با گیرنده تسهیلات. بنابراین حتماً باید بدانند که گیرنده تسهیلات، کجا می‌خواهد آن را

اعتقاد بنده این است که در طراحی عملیات بانکداری بدون ربا - مخصوصاً در بخش دوم، یعنی رابطه بین بانک و گیرنده تسهیلات از عقود کارآمد استفاده نشده است

خواهد بود؛ لکن با الگوهای محدودتر؛ مثلاً یک بانک خصوصی تازه تأسیس که سه تا شعبه بیشتر ندارد، واقعاً نمی‌تواند با چهارده عقد کار کند؛ این خیلی مشکل است! اما اگر برای آن قالب محدودی

عنوان کارمزد برای خود بانک نه برای صاحبان سپرده، دریافت می‌کنند و لذا به جرأت می‌توان گفت در گروه اول، یعنی سه عقد سرمایه‌گذاری مستقیم، مشارکت حقوقی و قرض‌الحسنه در همه شعبه‌های بانکی به صورت صحیح و کاملاً اسلامی اجرا می‌شود.

گروه دوم، سه عقد فروش اقساطی، سلف و اجاره به شرط تملیک است، این سه عقد در شبکه بانکی ما نظام واحدی ندارد از بانکی به بانک دیگر حتی از شعبه‌ای به شعبه دیگر متفاوت است. بعضی از بانک‌ها به جهت اهتمام مسؤولین آن بانک و به جهت اهتمام رؤسای آن شعب و کارگزاران اعطای تسهیلات بانکی سعی می‌کنند این عقود را با شیوه‌ها و ضوابط صحیح شرعی اجرا کنند گاهی مثلاً یک بانک که می‌خواهد تسهیلات خرید خودرو بدهد با یک شرکت تولیدکننده خودرو قرارداد می‌بندد و از او خودرو را خریداری کرده، به صورت اقساط به مشتری می‌فروشد و چک خرید خودرو را به حساب شرکت تولید کننده خودرو واریز می‌کند و پول را از مشتری به صورت اقساط برای خود بانک دریافت می‌کند و همین‌طور نسبت به کالاهای و خدمات دیگر ... اما در برخی از بانک‌ها این معاملات صوری می‌شود یعنی خرید و فروش‌ها، اجاره به شرط تملیک‌ها یا سلف‌ها براساس موازین حقیقی نیست، بلکه ساختگی و صوری است حتی در برخی از شعب دیده

متأسفانه
هیچ نظارتی در کار
نیست! فقط بستگی
به وجدان اخلاقی
و ایمان قلبی خود
کارگزار و مشتری
بانک دارد.
لااقل من سراغ
ندارم که مسؤولی را
از جهت این که
معاملاتش در این شعبه
شرعی نبوده مورد
بازخواست قرار بدهند

واقعی‌تری ندارد، به مشتری به صورت نسبه می‌فروشد و اقساطش را دریافت می‌کند؛ قطعاً این معامله صوری و باطل است همین‌طور در اجاره به شرط تملیک و در سلف. می‌شود گفت که از بانکی به بانکی،

سرمایه‌گذاری مستقیم، مشارکت حقوقی و قرض‌الحسنه است.

این سه عقد را - به جرأت می‌توان گفت - نظام بانکی ما توانسته به نحو صحیح و شرعی به کارگیرد و آن‌ها را اجرا کند سرمایه‌گذاری مستقیمی که امروزه بانک‌ها دارند، از جهت ضوابط اقتصادی ممکن است محل بحث باشد که آیا این جا سرمایه‌گذاری مستقیم بانک‌ها سودآوری مناسب داشته است یا نداشته اما از جهت نوع قرارداد صحیح است.

پویا: مثل مترو؟

موسویان: مثل اتوبان‌ها، مترو، و مواردی از این قبیل که بانک، سرمایه‌گذاری مستقیم کرده و از جهت شرعی مشکلی ندارد لکن از جهت منطبق اقتصادی محل شک است که سودآوری مناسب دارد یا نه؟

عقد دوم، مشارکت حقوقی است؛ یعنی خرید و فروش سهام کارخانه‌ها که آن هم هیچ مشکل شرعی ندارد. بانک‌ها با استفاده از منابع خودشان در بازار بورس، سهام بعضی از کارخانه‌ها را خرید و فروش می‌کنند و همانند سایر سهام‌داران شرکت‌ها از سود واقعی شرکت‌ها استفاده می‌کنند.

عقد سوم، قرض‌الحسنه است. در این که بانک‌ها به اشخاص نیازمند یا به اشخاص دیگر قرض‌الحسنه داده‌اند و سوء استفاده‌هایی شده یا نشده، مورد تردید است؛ اما شکی نیست که عملیات به روش شرعی است.

چون قرض‌الحسنه‌ها عمدتاً در شرایط فعلی با کارمزد ۴ درصدی داده می‌شود که با توجه به هزینه‌های بانکداری در شرایط فعلی - از اجاره ساختمان گرفته تا هزینه‌های پرسنلی و دیگر عوامل دخیل در عملیات قرض‌الحسنه - ۴ درصد، رقم بالایی نیست و می‌تواند به عنوان هزینه‌های واقعی مطرح شود.

پویا: اگر نرخ تورم را در نظر بگیریم؟

موسویان: اگر نرخ تورم را در نظر بگیریم که بانک ضرر می‌کند؛ منتها با فرض این که ما هم مثل بعضی از مراجع معتقدیم در قرض‌الحسنه همان مبلغ داده شده باید پس گرفته شود، بانک‌ها تنها در حد چهار درصد، آن هم به

پویا: یعنی دارد گرفته می‌شود؟

موسویان: بله الان گرفته می‌شود؛ منتهی براساس مصوبه مجمع تشخیص مصلحت.

پویا: در حالی که با موازین شرعی سازگار نیست.

موسویان: خوب، وقتی که کار به مجمع تشخیص مصلحت می‌کشد، معنایش این است که شورای نگهبان آن را با شرع مطابق ندیده و کار به آن جا منتهی شده و مجمع هم براساس مصالح نظام، این قانون را به اجرا گذاشته است.

اما نسبت به عقود که در قانون بانکداری بدون ربا به کار رفته، بانک‌ها در طرف تجهیز منابع براساس قانون عمل می‌کنند یعنی سه نوع سپرده برای مشتریان افتتاح می‌کنند: سپرده قرض‌الحسنه جاری، قرض‌الحسنه پس انداز و سرمایه‌گذاری. در طرف اعطای تسهیلات دوازده عقد در قانون بانکداری بدون ربا مطرح شده است از این میان عقد خرید دین همان‌طور که عرض کردم از سال ۶۵ کنار گذاشته شده است؛ البته از سال گذشته دوباره در صدد احیای آن هستند؛ شورای پول و اعتبار به بانک‌ها مجوز داده که دوباره می‌توانند این فعالیت را برای اسناد تجاری حقیقی انجام دهند. نسبت به عقد مزارعه و مساقات، از آن‌جایی که بانک‌ها زمین‌های زراعی یا باغ‌های کشاورزی نداشتند، اصلاً موضوع منتفی بود؛ بنابراین بانک‌ها از همان ابتدا وارد این معاملات نشدند. بنابراین، نه عقد و نه شیوه برای بانکداری ما باقی مانده است. این نه شیوه را می‌توانیم به سه گروه تقسیم کنیم، گروه اول شیوه‌های

حستی از شعبه یک بانک نسبت به شعبه دیگر همان بانک این روش‌ها متفاوت است و به درجه ایمان و اعتقاد مسؤول شعبه و به میزان اعتقاد و التزام عملی مشتری بانک بستگی دارد.

پویا: سیستم‌های نظارتی در این زمینه چگونه عمل می‌کنند؟

موسویان: متأسفانه هیچ نظارتی در کار نیست! فقط بستگی به وجدان اخلاقی و ایمان قلبی خود کارگزار و مشتری بانک دارد. لاقلاً من سراغ ندارم که مسئولی را - از جهت این‌که معاملاتش در این شعبه معاملات شرعی نبوده - مورد بازخواست قرار بدهند یا توبیخ و مجازات کنند.

پویا: در خود قانون بانکداری هم پیش بینی نشده است؟!

موسویان: به معنای صحیح و کامل پیش‌بینی

نشده است، بله! تنها بیان شده که پیگیری و اجرای صحیح قراردادها از مسئولیت‌های بانک مرکزی است.

سه عقد مشارکت مدنی، مضاربه و جعاله است، متأسفانه به صورت صوری و غیر واقعی اجرا می‌شوند؛ یعنی بانک‌ها یک روش عملیاتی روشن برای اجرای این سه عقد ندارند. اگر بخواهیم مشارکت مدنی صحیح اجرا شود، بایستی بانک با گیرنده تسهیلات در فعالیت اقتصادی واقعاً شریک بشود یعنی پروژه را از جهت سوددهی اقتصادی ارزیابی کرده، بعد از انعقاد قرارداد، در طول مدت سرمایه‌گذاری به هزینه‌ها و به درآمدها توجه داشته باشد؛ سود بانک را حساب کند؛ از حقوق بانک دفاع کند در حالی که می‌بینیم این فرآیند وجود ندارد بلکه بانک براساس یک سود انتظاری، که در نظر دارد، قرارداد می‌بندد و در پایان دوره مالی هم همان رقم و با همان نرخ قطعی تسویه حساب می‌شود.

در مضاربه هم، چنین است. در مضاربه با این که صاحب سرمایه، خود بانک است و طرف دیگر عامل اقتصادی است و طبق قرارداد همه خسارت‌ها، تغییر و تحولات، مربوط به صاحب سرمایه است، با این حال می‌بینیم که در این جا هم، بانک سرمایه‌ای را در اختیار تاجر می‌گذارد و با او براساس سود انتظاری، قرارداد می‌بندد و به زمان بازدهی عملیات تجاری و میزان سوددهی آن هم، کاری ندارد. و در آخر هم طبق

همان مدت زمان و نرخ‌هایی که قرارداد بسته، با طرف قرارداد تسویه می‌کند.

پویا: البته در جماله وضعیت بدتر است.

موسویان: اگر بخواهیم جعاله صحیح اجرا شود، باید دو تا قرارداد بسته شود؛

برای مثال بانک با شخصی که می‌خواهد برای آسفالت کردن پشت بام منزلش از تسهیلات بانک استفاده کند، قرارداد جعاله امضاء می‌کند و به عنوان عامل آسفالت کردن پشت بام را به عهده می‌گیرد و با قرارداد دیگر، انجام عملیات را به یک پیمانکار و آسفالت کار واگذار می‌کند، نهایت اینکه شخص می‌تواند در پیدا کردن آن پیمان کار وکیل بانک باشد؛ اما دو قرارداد باید منعقد شود تا قرارداد، صحیح باشد. آنچه اکنون در سیستم بانکی مشاهده می‌کنیم این است که خود صاحب کار از بانک تقاضای تسهیلات جعاله می‌کند، رقمی را می‌گیرد و نهایتاً همان مبلغ را علاوه یک نرخ سود مشخص، به بانک برمی‌گرداند!

بنابراین، می‌توانیم معاملات و عقود شرعی را - که در قانون بانکداری بدون ربا موجود است - به صورت کلی به سه گروه طبقه‌بندی کنیم.

گروه اول، که سه تا عقد قرض الحسنه، مشارکت حقوقی و سرمایه‌گذاری مستقیم است و کاملاً اسلامی اجرا می‌شود.

گروه دوم که سه عقد فروش اقساطی، سلف و اجاره به شرط تملیک است در برخی بانک‌ها و شعب، صحیح اجرا می‌شود و در برخی صوری است.

گروه سوم که مشارکت مدنی، مضاربه و جعاله است، در اکثر بانک‌ها و در اکثر شعب، صوری است.

پویا: در گروه دوم گرچه گفتید بعضی از شعبات بانک‌ها خوب عمل می‌کنند؛ ولی آیا می‌توانیم نتیجه بگیریم که برآیند کلی گروه دوم و سوم، تقریباً به طور متوسط، فعلیتی براساس یک نوع نرخ سود ثابت است و آن وقت نتیجه بگیریم فعالیت بانک‌ها در چارچوب قانون بانکداری نخواهد بود و شبیه سیستم ربوی خواهد شد؟!

موسویان: ببینید، نرخ ثابت از دو جهت محل بحث است؛ یک وقت شما در عقد

فروش اقساطی نرخ ثابت را مطرح می‌کنید، این از جهت شرعی هیچ اشکالی ندارد. یعنی اگر بانک براساس فروش اقساطی، در اجاره به شرط تملیک یا تنزیل و خرید دین نرخ ثابت بگیرد، ایرادی ندارد. اما یک وقت نرخ ثابت در مشارکت مدنی، مضاربه مطرح است، این جاست که اشکال دارد بنابر این نمی‌توانیم بگوییم نرخ ثابت، فی نفسه اشکال دارد. نکته مهم و قابل توجه این است که از کدام عقد نرخ ثابت گرفته می‌شود گرفتن نرخ ثابت در فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک و تنزیل مقتضای ماهیت عقد است؛ پس مهم این است که آیا این عقد، صحیح انجام می‌گیرد یا نه؛ واقعاً معامله‌ای رخ می‌دهد و نرخ ثابت از آن معامله حاصل می‌شود یا اصلاً کالایی در کار نیست صرفاً یک فاکتور صوری است.

اما در مجموع، از آن جایی که اعطای تسهیلات در بانکداری بدون ربا از عقود مختلف ترکیب یافته، که برخی از آن‌ها نرخ ثابت و برخی نرخ متغیر دارند، انتظار این است که اگر این فعالیت‌ها همگی صحیح و شرعی صورت گیرد، نباید نرخ سود، نرخ ثابت باشد چون این سود، فرآیند معاملاتی است که برخی ثابت‌اند و برخی متغیر، در مجموع باید متغیر باشد. پس اگر دیدیم نظام بانکی فعلی در مجموع، سود ثابت می‌دهد، محل شک و تردید خواهد بود.

پویا: بعد دیگر عملیات بانکی در کیفیت تخصیص منابع است که یکی از تفاوت‌های عمده بانکداری بدون ربا با بانکداری ربوی است، وقتی بانک‌ها به سمت صوری شدن پیش روند، تخصیص منابع هم به صورت بهینه انجام نخواهد شد و اهداف نظام اقتصادی چون تأمین عدالت تحقق نخواهد یافت.

موسویان: بله؛ اصولاً اسلام هر عقدی را در جایگاه خودش مطرح کرده است. اگر ما یک عقد را خیلی بزرگ کنیم، بتدریج از اهداف شرعی آن فاصله می‌گیریم. اسلام برای بازار کالاها و خدمات از عقود مبادله‌ای مثل خرید و فروش نقد، نسیه، سلف و جعاله استفاده می‌کند.

در بازار سرمایه و سرمایه گذاری از عقودی مثل مشارکت، مضاربه، مزارعه، مساقات و امثال این‌ها استفاده می‌کند اگر می‌بینیم یک سیستم بانکی در بازار سرمایه وارد می‌شود و بتدریج عقود مشارکتی را کم رنگ و عقود مبادله‌ای را جایگزین می‌کند ممکن است از جهت فقهی نتوان بر آن اشکال گرفت، لکن از جهت تناسب عقود، از اهداف اقتصاد اسلامی فاصله می‌گیرد برای مثال وقتی بانک به جای این که با یک کشاورز مشارکت کند تراکتور، بذر و زمین لازم را بخرد و به صورت نسبه به کشاورز بفروشد؛ یا به جای آن که با یک تاجر قرارداد مضاربه ببندد مغازه و اجناس آن را نقداً خریده به تاجر نسبه بفروشد که تاجر با آن کسب و کار کند؛ در این جا بتدریج از روح تعاون و مشارکت اسلامی فاصله می‌گیریم هرچند از جهت فقهی نمی‌توان به آن ایراد گرفت بالاخره هر دو عقد شرعی است. اما این سخن درست است که اسلام آن عقد شرعی را با یک سری اهداف برای بازار کالا و خدمات طراحی کرده است و این عقود را برای بازار سرمایه و جا به جایی این‌ها باعث می‌شود که آن تناسبها، اهداف و توزیع عادلانه ثروت‌ها و درآمدها، که مورد نظر اسلام است، لطمه ببیند.

پویا: در تأیید نظر شما، پیغمبر اکرم که از مکه به مدینه مهاجرت کردند انصار خواستند زمین‌هایشان را به مهاجران ببخشند، پیغمبر با بخشش مخالفت کرده فرمودند روی زمین‌ها، با هم دیگر کار کنید محصول را تقسیم کنید. **موسویان:** بله؛ از جهت فقهی شاید نتوان اشکال گرفت. اما از جهات دیگر به ویژه تحقق اهداف اشکال دارد. یک وقت بحث صوری شدن معاملات است یک وقت بحث این است که بانک، چه سهمی از معاملات را با سود ثابت و چه سهمی را با عقود مشارکتی انجام دهد؛ در عمل، بانکداری ما بتدریج از عقود مشارکتی فاصله گرفته، به سمت عقود با سود ثابت گرایش پیدا می‌کند. اگر شما آمارها را نگاه کنید تقریباً فروش اقساطی در شروع عملیات بانکداری بدون ربا حدود ۲۴ درصد فعالیت‌های بانکی را به خودش اختصاص می‌داد، بتدریج زیاد شده الان حدود ۷۰ درصد - یعنی دو برابر - شده است؛ این به خاطر این است که بانک‌ها دائم از سهم عقود مشارکتی - مثل مشارکت مدنی و مضاربه - کم کرده، به فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک اضافه کرده‌اند این شیوه - اگر صحیح اجرا بشود - از جهت فقهی مشکل ندارد. ولی از جهت اهداف اقتصاد اسلامی مشکل دارد؛ اما اگر صحیح

اجرا نشود، هم اهداف اقتصاد اسلامی را زیر سؤال می‌برد و هم از جهت فقهی مشکل پیدا می‌کند.
پویا: اگر به یاد داشته باشید اوایل انقلاب، ربا بشدت کم شده و از بازار، رخت بر بسته بود؛ ولی در جامعه امروز دوباره ربا - ظاهراً - رواج پیدا کرده و بعضی مردم در انواع فعالیت‌های اقتصادی براحتی درصد سود پول را مبنای محاسبات خودشان قرار می‌دهند. عملکرد بانک را در این زمینه‌ها چه طور ارزیابی می‌کنید؟

سود، می‌تواند سود ثابت اسلامی باشد و برعکس می‌تواند سود، سود متغیر ولی ربوی باشد. معیار ربوی بودن ثابت یا متغیر بودن سود نیست. معیار ربوی بودن این است که آیا سود نتیجه قرارداد است قرض است یا نتیجه فعالیت اقتصادی؟ اگر قراردادی به نام قرارداد قرض الحسنه بسته شود و در آن قرارداد سودی شرط شود ربا و حرام می‌شود

موسویان: ببینید این جا بحث کمی دقیق‌تر است؛ یک وقت بحث کوتاهی بانک‌هاست یک وقت بحث سوء استفاده بعضی مردم است که دنبال ربا و رباخواری هستند. این که ما خیال کنیم اسلام سود یا سود ثابت را نفی کرده است، با قوانین اسلامی سازگار نیست. ما در کنار قرض الحسنه - که قراردادی است بدون سود و خیرخواهانه - ده‌ها نوع مشارکت و قرارداد اسلامی مثل: خرید و فروش، اجاره، سلف، مضاربه، مزارعه، مساقات و ... داریم که بر پایه سود شکل می‌گیرند. بنابراین، اگر بین آن‌ها فرق بگذاریم که اگر سود داشت، ربوی و اگر نداشت، اسلامی است - که در میان مردم هم این ذهنیت پیدا شده - اصلاً درست نیست بلکه اسلام، سود را می‌پذیرد منتها در قالب قرارداد شرعی همچنین این ذهنیت نیز که اگر سود، ثابت بود ربوی و اگر متغیر بود اسلامی است، برداشت درستی نیست.

سود، می‌تواند سود ثابت و اسلامی باشد و برعکس می‌تواند سود، سود متغیر ولی ربوی باشد. معیار ربوی بودن، ثابت یا متغیر بودن سود نیست. معیار ربوی بودن این است که آیا سود نتیجه قرارداد قرض است یا نتیجه فعالیت اقتصادی؟ اگر قراردادی به نام قرارداد قرض بسته شود و در آن قرارداد، سودی شرط شود - چه سود ثابت، چه متغیر - ربا و حرام می‌شود فرضاً اگر بنده به شما یک میلیون قرض بدهم با شما شرط بگذارم که آخر سال یک میلیون و دوپست به صورت ثابت برگردانید این ریاست. اگر شرط کنیم که این یک میلیون را به صورت قرض به شما می‌دهم آخر سال یک میلیون و صد تا یک میلیون دوست داشتید مستناسب با فعالیت اقتصادی‌تان - به من برگردانید. شما هم می‌گویید قبول دارم. پایان دوره شما هر قدر انتخاب کنید از صد هزار تومان تا دوپست هزار تومان، باز ریاست تعریف ربا به ثابت یا متغیر بودن نرخ بهره نیست، بهره بر فرض متغیر هم باشد ربا است چون حاصل قرارداد قرض است، اما از آن طرف هم این طور نیست که هر نرخ ثابتی ربا بوده باشد بعضی از معاملات اسلامی هم صحیح‌اند، هم سود دارند و هم سود ثابت دارند شما فرضاً قراردادهای نسبه، تنزیل - را اگر فقهی قبول داشته باشد - اجاره به شرط تملیک این‌ها نرخ‌های سود ثابت و از قبل تعیین شده دارند و در عین حال اسلامی و صحیح و شرعی‌اند.

پویا: یعنی می‌خواهید بگوئید برخی از این مشکلات مربوط به تلقی‌های غلط است. **موسویان:** بله! می‌خواهم بگویم که گاهی مردم براساس بانک که مثلاً بانکی سود ثابتی می‌گیرد، می‌گویند پس ما هم حق داریم این سود را بگیریم؛ این خلط مبحث است باید ببینیم بانک این سود ثابت را براساس چه قراردادی می‌گیرد؟ اگر قرارداد آن صحیح و شرعی بود، مردم هم می‌توانند براساس همان قرارداد، سود ثابت بگیرند و هیچ اشکالی ندارد. اما اگر بانک براساس یک قرارداد صوری و ساختگی سود ثابتی می‌گیرد، این شرعاً ایراد دارد مردم هم حق ندارند. **پویا:** نظر شما راجع به تلقی مردم درست است؛ ولی مردم بی‌دلیل، تصور ناصحیح ندارند؛ یکی از منشأهای اصلی این تلقی مردم، عملکرد غلط بانک‌ها می‌باشد. وقتی بانک می‌آید براساس یک قرارداد که اصلاً آن قرارداد سود ثابت ندارد مثل مشارکت مدنی، مضاربه از مردم سود ثابت می‌گیرد، این جا حق با مردم است. در حقیقت بانک این

بدآموزی و این بدعت را در جامعه بنیان‌گذاری می‌کند.

موسویان: بله این جا! حق با مردم است؛ بدین معنا که تأثیر بد می‌گذارد اما نه این که چون بانک این کار را می‌کند، پس مردم هم حق پیدا می‌کنند چنین عملیات صوری و رباخواری را رواج بدهند! بنابراین ما باید اینجا بحث‌ها را کمی برای مردم شفاف کنیم. این که بحث اصل سود از نظر شرعی، هیچ اشکالی ندارد و در برخی از معاملات؛ هم بانک و هم مردم می‌توانند سود ثابت بگیرند و در برخی از معاملات، گرفتن سود ثابت از نظر شرعی، توجیه ندارد و نه بانک و نه مردم حق ندارند سود ثابت بگیرند. در این موارد گرفتن سود ثابت توسط بانک‌ها تأثیر سوئی در رفتار اقتصادی مردم می‌گذارد. وقتی که معاملات، صوری شد آن حقیقت و فلسفه و حکمتی که اسلام از تحریم ربا داشته آن هم زمین می‌ماند چون آن حکمت و فلسفه تحریم ربا نه بر معاملات صوری، که بر روی معاملات حقیقی استوار بوده، اگر ما یک معامله صوری را - که به ظاهر اسلامی اما در واقع ربوی است - انجام دهیم، آن حکمت و فلسفه تحریم ربا بر زمین می‌ماند و جامعه، از آثار سوء اقتصادی و اجتماعی ربا خلاصی ندارد.

پویا: مسأله‌ای که به نظر می‌رسد باید خیلی به آن توجه شود برجسته کردن نقش نظارتی علما و حوزه‌های علمیه در این زمینه است. درست است که نظام ما اسلامی و حکومت ما دینی است، ولی این به این معنا نیست که نظارت دقیق نداشته باشیم.

موسویان: بله! روحانیت و حوزه علمیه ما نسبت به پیاده‌شدن صحیح موازین فقهی حقوق اسلامی مسؤولیت دارند هم نسبت به بانک‌ها و هم نسبت به دیگر نهادهای نظام. البته این مسؤولیت دو طرفه است، یعنی همان طور که مسؤولیت دارند از بانک‌ها در مقابل یک سری سوء برداشتها و سوء تفاهم‌ها دفاع کنند، از مردم هم باید دفاع کنند. الان خلط مسیحت‌ها از هر دو طرف هست؛ گاهی اعتراض و انتقاد می‌شود که بانک‌های ما براساس سود عمل می‌کنند. خوب! بانک یک بنگاه اقتصادی است و باید براساس سود عمل کند! اصلاً منطقی یک بنگاه اقتصادی این است که براساس سود عمل کند و اسلام هم این منطقی را اجازه داده است. پس خرده گرفتن به بانک، که براساس سود عمل می‌کند، اشکال بی‌خودی است. گذشته از این که، بانک، گرچه از یک طرف اعطای تسهیلات می‌کند از طرف دیگر، وجوه مردم را در قالب انواع

سپرده‌ها جذب می‌کند و به عنوان وکیل سپرده‌گذاران موظف است منابع آن‌ها را در زمینه‌های سودآور اقتصادی به کار گیرد و برای آن‌ها کسب سود کند و اگر در این زمینه کوتاهی کند، در قرارداد وکالت خیانت کرده است. پس بانک باید براساس سود رفتار کند اگر قرارداد قرض‌الحسنه هم در فعالیت بانکی تعبیه شده، فقط به عنوان یکی از ده‌ها عقدی است که برایش پیش‌بینی شده است. نباید افراط و تفریط کنیم؛ نه قرض‌الحسنه باید سیر نزولی پیدا

◆
**علما باید از ناحیه
مردم نظارت کامل بر بانک‌ها
داشته باشند؛
مسؤولیت دارند که بنویسند
سخنرانی کنند،
امر به معروف و
نهی از منکر کنند، تا
بانک‌ها به سمت اصلاح
و اجرای صحیح
عقود شرعی در بانکداری
بدون ربا بروند**
◆

کند - که مثلاً نسبت به شروع عملیات بانکداری بدون ربا که حدود ۱۰ درصد بود، به ۵ درصد برسد - و نه خیلی باید افراط کنیم و بگوییم همه فعالیت‌ها یا بخش عمده فعالیت‌های بانک باید براساس قرض‌الحسنه باشد؛ خیر! بانک، یک نهاد اقتصادی است و براساس سود شکل گرفته و در کنار آن یک فعالیت خیرخواهانه قرض‌الحسنه هم دارد؛ بنابراین از این جهت، علما و اندیشمندان اسلامی از بانک‌ها به عنوان یک سری نهادها و بنگاه‌های اقتصادی اسلامی، باید دفاع کنند و از طرف دیگر، نسبت به حقوق مردم هم، باید نظارت و دقت کافی داشته باشند که آیا واقعا بانک‌ها این عقود شرعی را به نحو صحیح اجرا می‌کنند یا فقط اسم را عوض کرده‌اند و همان معاملات قرض با بهره است. اینجا هم علما باید از ناحیه مردم نظارت کامل را بر بانک‌ها داشته باشند؛ مسؤولیت دارند که بنویسند،

سخنرانی کنند، امر به معروف و نهی از منکر کنند؛ تا بانک‌ها به سمت اصلاح و اجرای صحیح عقود شرعی در بانکداری بدون ربا بروند.

پویا: یک نکته را هم به این بحث اضافه کنیم که ده سال پیش در سمینار بانکداری، آیت‌الله رضوانی تأکید کردند که در سیستم ربوی، قرض گیرنده گرچه حرام است ربا بدهد، ولی مالک پولی که قرض گرفته، می‌شود؛ اما در سیستم بانکداری بدون ربا، اگر شخصی به عنوانی معین از بانک اعتبار بگیرد، ولی آن را در جهتی که طبق قرارداد اعتبار گرفته، تخصیص ندهد مالک آن نمی‌شود و گروهی از مردم توجهی به این مطلب ندارند.

موسویان: البته نظر جناب آیت‌الله رضوانی بیشتر ناظر به یک سری قراردادهای خاص بود؛ اما برخی از قراردادهای از نظر شرعی این اثر را به دنبال ندارد، اما برخی نیز دقیقاً همین طور است. مثلاً اگر کسی تحت عنوان مشارکت مدنی برای یک فعالیت اقتصادی از بانک تسهیلات گرفت، در واقع بانک با او شریک شده و شخص گیرنده تسهیلات، مالک نشده که بتواند با آن بدهی‌های خود را بپردازد یا با آن کارهای دیگری بکند. اما در برخی از عقود بانکداری بدون ربا، گرچه بانک در مقام پرداخت، یک سری هدف‌هایی داشته ولی گیرنده تسهیلات وقتی مالک می‌شود، ولو خلاف آن هدف بانک هم رفتار بکند، از جهت تملک، آن آثار را در پی ندارد. فرضاً ممکن است بانک، قرض‌الحسنه ازدواج یا تأمین مسکن بدهد، یا از طریق فروش اقساطی اتومبیلی از بانک می‌خرد بعد اتومبیل را نقداً فروخته و از پولش استفاده می‌کند این از جهت شرعی هیچ اشکالی ندارد و آن بازتاب‌هایی که آیت‌الله رضوانی می‌گفت اینجا بار نمی‌شود هر چند خلاف اهداف بانک از اعطای قرض‌الحسنه ازدواج یا فروش اقساطی اتومبیل عمل کرده باشد.

پویا: در وضعیت کنونی - که بانک‌ها در بسیاری از موارد براساس قانون بانکداری بدون ربا عمل نمی‌کنند - آیا قبول دارید که تخصیص غیر صحیح منابع هم آثار سوئی در پی دارد؟

موسویان: تخصیص غیر صحیح بیشتر به ساختار اقتصادی ما و تصمیم‌گیری‌های غلط اقتصادی برمی‌گردد تا به عملکرد بانک‌ها.

پویا: ... مثلاً در بخش صنعت و کشاورزی، یعنی بخش‌های مولد - که براساس سیاست‌گذاری‌های کلان، تخصیص اعتبار می‌کنیم - اما در اثر این عملکردهای غلط بانک‌ها و مقاداری هم به دلیل عملکرد مردم - که

که در کار بود، چنین تصور شد که بهترین الگو، یک الگوی جامع است که همه معاملات شرعی در آن جای گیرد! در واقع غفلت کردند از این که شاید این، بدترین الگو باشد! الان در الگویی که در بحث معاملات بانکی انتخاب شده، در بخش اعطای تسهیلات، عقود مختلفی پشت سر هم چیده شده که این عقود از جهت ماهوی دو گروهند.

۱. عقود مبادله‌ای؛ مثل فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف، جعاله، تنزیل.

۲. عقود مشارکتی؛ مثل مشارکت حقوقی، مشارکت مدنی، مضارعه، مضاربه، مساقات و سرمایه‌گذاری مستقیم.

این دو از جهت سنخ و ماهیت کاملاً متفاوتند. در عقود گروه اول، که مبادله‌ای‌اند، به محض اینکه بانک، قرارداد را منعقد کرد، مبادله و معامله تمام شده، بانک هیچ مسؤولیتی نسبت به عواقب فعالیت اقتصادی و سود و زیان آن ندارد. سود حاصل از این عملیات‌ها هم سودهای ثابت است. از جهت حسابداری هم، رابطه بانک با گیرنده تسهیلات، رابطه بدهکار و بستانکار است یعنی همه چیز کاملاً شفاف و روشن است.

در عقود گروه دوم، که مشارکتی‌اند، معامله حین انجام قرارداد تمام نمی‌شود و تا پایان دوره مالی و تا وقتی که آن پروژه به بهره‌برداری کامل برسد، مشارکت همچنان ادامه دارد.

پویا: مثل وام‌هایی که شهرداری‌ها می‌دهند. **موسویان:** شهرداری هم بالاخره وقتی که شخص تمام کرد، پایان کار می‌دهد؛ اما در یک شرکت سهامی، تا وقتی که بانک سهامش را دارد و همچنان به عنوان شریک است، باید همه فعالیت‌های نظارتی و کنترلی را داشته باشد. خوب، حالا شما بانکی را تصور کنید با یک شعبه متوسط که در آن شش نفر کار می‌کنند، هر ساله بخواهد با استفاده از این شیوه‌های ۱۲ گانه انواع معاملات داشته باشد، خرید و فروش‌ها، سلف‌ها، اجاره به شرط تملیک، خرید دین‌ها، جعاله‌ها، بعد از آن طرف مشارکت، مضاربه و...

پویا: در حالی که اکثر این کارکنان درباره انواع معاملات چیز زیادی نمی‌دانند!

موسویان: خیلی هنر کنند، فقط عقد قرارداد را می‌توانند آموزش ببینند! بنده معتقدم، یک شعبه متوسط، که در طول سال ممکن است هزار تا قرارداد ببندد - از سنخ‌های مختلف، آن هم با ماهیت‌های کاملاً متفاوت - اصلاً امکان ندارد همه معاملات آن صحیح انجام شود؛ یعنی در

مناسب، محل فروش و عرضه مناسب محصول، کارخانه‌های جانبی برای حفظ و نگهداری محصول و تبدیل آن‌ها به صنایع غذایی، به وجود بیورد تا سود بخش کشاورزی برای کشاورز باشد، ارتقاء یابد و در حد سود بخش بازرگانی و خدمات بشود. **پویا:** همانطور که شما فرمودید یکی از علت‌های عملکرد ناصحیح بانک‌ها ساختار غلط اقتصاد ماست. بانک‌ها چون باید پاسخ‌گوی سپرده‌گذارها باشند و سود به آن‌ها بدهند، مجبورند که هر طور شده این اعتبارات را تخصیص بدهند؛ حتی با قراردادهای صوری. درست است؟! **موسویان:** بله!

پویا: علت‌های دیگر این عملکرد اشتباه چه می‌تواند باشد؟

موسویان: عدم اجرای صحیح قانون بانکداری بدون ربا، علت‌های مختلفی دارد.

۱. عدم الگوسازی مناسب
۲. عدم ساختار اجرایی مناسب
۳. عدم آموزش مناسب
۴. عدم نظارت و کنترل مناسب

به اعتقاد بنده، اگرچه قانون عملیات بانکداری بدون ربا از نظر شرعی صحیح و مورد تأیید فقها است، اما در مقام الگوسازی، مشکل داشته و الگوهای مناسبی برای آن طراحی نشده است. از همین قانون بانکداری بدون ربا می‌توانیم الگوهای مختلفی طراحی کنیم و آن‌ها را بصورت محدود به اجرا بگذاریم، سپس الگوهای موفق‌تری را که از جهت شرعی قابلیت اجرا و از جهت اقتصادی، کارایی مناسب دارند انتخاب و آن‌ها را تقویت کنیم، و الگوهای نامتناسب - ولو از جهت فقهی مورد قبول - را بتدریج حذف کنیم. یک مثال ساده مطرح می‌کنم. مثلاً از یک فقیه بپرسید که آیا در کاسه می‌شود چایی خورد؟ می‌گوید هیچ اشکالی ندارد! در استکان می‌شود آش خورد؟ می‌گوید هیچ اشکالی ندارد! اما بتدریج مردم می‌فهمند که استکان برای چایی مناسب دارد و کاسه برای آش، ولو از جهت فقهی هر یک به جای دیگری می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

متأسفانه اوایل انقلاب، به جهت ضرورت‌های مختلف و تعدیلی

اعتبارات را به جای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های صنعتی یا کشاورزی مولد در اموری غیر مولد ولی سودآور مصرف می‌کنند. **موسویان:** بله؛ در واقع اشکال به دولت برمی‌گردد که چرا بخش‌های مفید یا مولد اقتصادی، سود پایینی دارد که شخص نتواند از سود قابل توجهی برخوردار باشد و مجبور شود به اسم کشاورزی تسهیلات بگیرد و تجارت کند. یعنی این اشکال به بانک بر نمی‌گردد، بانک که نمی‌تواند به دنبال گیرنده تسهیلات راه بیفتد و بر کار او نظارت کند! دولت باید از بخش‌های اقتصادی چنان حمایت کند که سودآوری آن‌ها به حد سود متعارف جامعه برسد اشکال از کل اقتصاد ما است. دولت، بسترسازی مناسب نکرده، یا حمایت‌های لازم و جدی از زیرساخت‌های بخش‌های مولد اقتصادی نمی‌کند؛ در نتیجه آن بخش‌ها سود مناسب را ندارند. از طرف دیگر قصد دارد این حمایت را به صورت غیر مستقیم با یارانه دادن در نرخ‌های بانکی استفاده کند که همین امر، زمینه‌ساز صوری شدن معاملات بانکی شده است، یعنی علاوه بر اینکه خودش محل اشکال است، باعث می‌شود که در سیستم بانکی هم اشکال عمده‌ای بوجود آید و بواسطه پائین بودن نرخ‌های سود در بخش کشاورزی شخص انگیزه پیدا کند که با جعل اسناد و مدارک برای فعالیت کشاورزی، اعتبار بگیرد. دولت باید نرخ‌ها را مساوی قرار بدهد تا شخص اگر واقعا می‌خواهد تجارت کند، بیاید و تقاضای تسهیلات تجاری کند یعنی ما زمینه دروغ‌گویی را از بین ببریم و بیهوده هم سهم بندی نکنیم. دولت اگر هم می‌خواهد یارانه‌هایی بدهد به زیرساخت‌های بخش‌های مولد اختصاص دهد و آن‌ها را هم مستقیماً در ساختن زیرساخت‌های اقتصادی بکار گیرد. برای کشاورز، جاده

◆ **نباید افراط و تفریط کنیم؛ نه قرض الحسنه باید سبیر نزولی پیدا کند - که مثلاً نسبت به شروع عملیات بانکداری بدون ربا که حدود ۱۰ درصد بوده، به ۵ درصد برسد - و نه خیلی باید افراط کنیم و بگوییم همه فعالیت‌های یا بخش عمده فعالیت‌های بانک باید بر اساس قرض الحسنه باشد** ◆

♦
**وقتی که معاملات، صوری
شد آن حقیقت و فلسفه
و حکمتی که اسلام
از تحریم ربا داشته
آن هم زمین می ماند
چون آن حکمت
و فلسفه تحریم ربا نه
بر معاملات صوری
که بر معاملات حقیقی
استوار بوده**
♦

بتدریج در سه سال آینده عقد دوم را هم وارد کن اگر موفق بودی عقد سوم را هم وارد کن. حداکثر اجازه بدهیم یک گروه از عقدها را بکار گیرند. همبیتور می توان اثبات کرد عقود مشارکتی برای بانک های تخصصی که می خواهند سرمایه گذاری کنند بهتر است نه بانک های تجاری. یا

برای بانک های دولتی بسیار بزرگ اجازه بدهیم با تقسیم منابع هم عقود مبادله ای و هم عقود مشارکتی را بکار بگیرند.

پس اشکال اول، در انتخاب الگوی مناسب است؛ الگویی که برای بانکداری بدون ربا انتخاب شده مشکل درونی دارد و به بانک امکان نمی دهد که عقود و معاملاتش را صحیح اجرا کند. یعنی اجرای صحیح عقود در این الگو از جهت اقتصادی به صرفه نیست؛ لذا بانک ناچار است به سمت صوری و غیر واقعی شدن روی آورد.

اشکال دوم، عدم انتخاب ساختار اجرایی مناسب است. معاملات شرعی، ساختار اجرایی خاص خود را می طلبد. عملیات بانکداری در سیستم سنتی و متعارف ما براساس قرض با بهره است و لذا ساختار خودش را دارد و برای عقود اسلامی کارایی ندارد.

ماهیت قرارداد قرض با بهره، این است که بانک، قرض می دهد و سود می گیرد و کار به این ندارد که در بازار واقعی چه می گذرد و چه تحولاتی رخ می دهد. کارشناس بانک اصلاً دغدغه اقتصاد واقعی را ندارد آموزش آن هم راحت و از جهت حسابداری هم خیلی ساده و آسان است. اما عملیات بانکداری بدون ربا براساس عقود واقعی طراحی شده است، خرید و فروش، سلف، اجاره به شرط تملیک، جعاله و مشارکت ها که جایگاه خاصی دارد. بنابراین اگر ما بخواهیم این عقود را صحیح اجرا کنیم یک ساختار و سازمان دهی اجرایی متناسب با آن ها را می طلبد. یعنی شعبه ای را می طلبد که مسئول آن شعبه از قیمت کالاها، قیمت نقد و نسیه، هزینه تولید، هزینه انبارداری، هزینه فروش، مدت فروش اطلاعات کافی داشته باشد و دائماً در فعل و انفعالات بازار، حضور فعال و جدی داشته باشد. مثلاً بدانند که هزینه تولید کشاورزی چقدر است؟ هزینه تولید

ظرفیت یک بانک نیست که این الگوی جامع را به این شکل که در قانون بانکداری بدون ربا آمده، پیاده کند و معاملات را در این قالب اجرا کند؛ محال اقتصادی است! ممکن است شعبه ای را طراحی کنید که در آن صد کارشناس باشد و هر کدام از این کارشناس ها در طول سال، صد قرارداد ببندد و بعد موظف به پی گیری و کنترل و نظارت قرارداد های خودش باشد! این به صرفه اقتصادی نخواهد بود. بنابراین در اشکال اولی که بر بانکداری بدون ربا ما وارد است که چرا نتوانسته کاملاً صحیح و براساس ضوابط فقهی کار کند، می گوئیم که این، لازمه اجرای الگوی انتخاب شده از این قانون است، روی این حساب باید الگوهای مختلف و ساده ای طراحی کرد؛ مثلاً بانک هایی با معاملات محدود داشته باشیم مثلاً بانکی با سود های ثابت، از یک طرف سپرده ها را جذب کند و از طرف دیگر، فقط فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک با سود ثابت داشته باشد حق الوکاله خودش را بردارد سود ثابتی هم به سپرده گذاران بدهد، با این روش هم بتدریج راهکارهای اجرای صحیح و هم راهکارهای نظارتی را پیدا می کند.

پویا: در این جهت، بانک هایی که الان به اسم بانک های تخصصی هستند، مثل بانک کشاورزی و بانک های دیگر آیا عملکردشان همین اثر را نشان می دهد؟

موسویان: متأسفانه خیر، الگوی فعلی بین بانک های تخصصی و بانک های عمومی فرقی نگذاشته است. همان طور که برای بانک های عمومی و تجاری ۱۲ شیوه اعطای تسهیلات را ردیف می کند برای بانک کشاورزی هم این شیوه ها را ردیف کرده است.

پویا: البته این وضعیتی که شما اشاره کردید، شاید کمی طبیعی باشد؛ چون اول انقلاب تجربه کافی نداشتیم، ولی اشکال کار در ادامه قضیه است، براساس آزمون و خطا به فکر اصلاح سیستم نبودیم...

موسویان: بلی از آنچه تا حال بوده، نباید خرده بگیریم. هدف این است که آن را اصلاح کنیم وقت آن رسیده که با استفاده از قانون عملیات بانکداری بدون ربا الگوها و مدل های مختلفی مطرح کنیم و ببینیم برای هر یک از بانک های تجاری، تخصصی، خصوصی، دولتی چه عقود مناسب است. اگر الان بانک های خصوصی را که با سه، چهار شعبه راه افتاده است موظف کنیم که دوازده شیوه قانون بانکداری بدون ربا را اجرا کنند، از همان اول درجا می زند! اما اگر باییم و بگوئیم با این عقد کار کن اگر توانستی موفق باشی،

این محصول چقدر است؟ چقدر زمین، چقدر کود و آب لازم دارد؟ هزینه متوسط تولید و قیمت متوسط فروش چقدر است؟ درآمد و سود چقدر است؟ بانک باید در جریان همه این مسائل باشد و این امر، یک ساختار اجرایی مناسب را می طلبد. درست است که ما بعد از تصویب قانون بانکداری بدون ربا، قانون و عقود را عوض کردیم و دیگر قرض با بهره نیست بلکه فروش اقساطی یا اجاره به شرط تملیک است؛ اما ساختار اجرایی همان ساختار است، حتی حسابداری ما همانی است که برای قرض با بهره طراحی شده بود، لذا شما دفترهای بانک را نگاه کنید در بحث مشارکت ها هم هنوز هم بحث بدهکار و بستانکار است، در حالی که در بحث مشارکت مدنی، اصلاً بدهکار و بستانکار معنا ندارد. کسی قرض نگرفته یا خرید و فروش نکرده که بدهکار یا بستانکار باشد، بحث وثائق مطرح می شود؛ اگر مشارکت، مشارکت حقیقی باشد اصلاً چرا بانک از آن شریک، وثیقه یا سند بگیرد؟ چرا آن شریک از بانک وثیقه نگیرد؟ اینها نشان می دهد که ساختار اجرایی بانک ها متناسب با تحول قانون، تحول پیدا نکرده است، لذا علاوه بر انتخاب الگوهای محدود و عملی باید ساختار مناسب را هم برگزید.

اشکال سوم اینکه به جهت عدم آموزش مناسب در موارد زیادی معاملات، غیر حقیقی و صوری است. قانون عملیات بانکداری بدون ربا تصویب شد، ولی نه برای کارگزاران و نه برای عموم مردم، در حد مطلوب و متعارف، آموزش های لازم داده نشده است. مردم در خارج از بانک خوب می فهمند که مشارکت یعنی چه؟ مضاربه یعنی چه؟ خرید و فروش نقد یا نسیه یعنی چه؟ اینها عقود است که مردم با آن ها سر و کار داشتند و الان هم با آن کار می کنند، آن را خوب هم می فهمند

دولتی باشد و ناصحیح عمل کند و ممکن است یک بانک، خصوصی باشد و صحیح کار کند. در کل جامعه هم این طور نیست که بگوییم که در قسمت‌های دولتی اقتصاد، نسبت به بخش‌های خصوصی اقتصاد، بیشتر جنبه‌های شرعی رعایت می‌شود چنین ادعایی قابل اثبات نیست.

پویا: اما در تجربه شرکت‌های مضاربه‌ای، دیدیم وقتی میدان پیدا کرده و وجوه مردم را جمع کردند، چقدر به مردم، لطمه زدند ولی بانک‌ها به این درجه نمی‌توانند این کار را بکنند.

موسویان: خوب، بانک‌ها خلأ قانونی ندارند. اما آن شرکت‌های مضاربه‌ای کاملاً در خلأ قانونی و ضوابط اجرایی بسر می‌برند. اگر همان شرکت‌های مضاربه‌ای، دولتی هم بودند، چه بسا زمینه تخلف بیشتر از این هم شکل می‌گرفت الان این همه تجارت‌خانه‌ها و مغازه‌های بزرگ وجود دارد، شما براحتی می‌توانید اثبات کنید که تخلفات شرعی در فروشگاه‌های بزرگ چقدر بیشتر از فروشگاه‌های دولتی است، چه بسا کسی ممکن است عکس آن را ادعا بکند. در شرکت‌های مضاربه‌ای هم که اول انقلاب بوجود آمد، از خلأ قانونی سوء استفاده‌هایی شد، مثل بعضی از همین صندوق‌های قرض‌الحسنه‌ای که اخیراً براه افتاده است که از یک خلأ قانونی و بازرسی استفاده می‌کنند. بنابراین، این ادعا که اگر بانک‌ها دولتی باشند حتماً صحیح‌تر و شرعی‌تر عمل خواهند کرد، ادعای بدون دلیلی است. برعکس، اگر دولت تصدی اقتصاد را رها کند و بیشتر حالت نظارتی و کنترلی داشته باشد آن موقع مردم اجرای صحیح را خواهند داشت.

استدلال دوم از جهت نقش مهم و حساسی است که بانک‌ها در بحث بازار پول و سرمایه دارند. برخی از اقتصاددان‌های مسلمان معتقدند از آنجایی که بانک‌ها نقش مهم و کلیدی در اقتصاد کشورها و جوامع دارند، اگر خصوصی باشند ممکن است در اثر تبانی اقتصاد کشور را دچار بحران کنند. در مقابل، استدلال می‌شود که خصوصی‌سازی بانک‌ها این نیست که همه بانک‌های خصوصی و خارج از کنترل و قوانین بانک مرکزی باشند، در خیلی از کشورهای بانک‌ها خصوصی وجود دارند، اما در کنار آن‌ها بانک‌های بزرگ دولتی هم حضور دارند که بموقع وارد عرصه اقتصاد شده، بر فعالیت بانک‌های خصوصی تأثیر می‌گذارند. ضمناً همه بانک‌های خصوصی، زیر نظر مستقیم بانک مرکزی و با قوانین و ضوابط آن عمل می‌کنند. بانک مرکزی می‌تواند با تغییر قوانین و با اعمال

نمی‌گیرد! خوب، بالطبع نتیجه این می‌شود که کارگزار بانک، اهمیتی در این مسائل به خرج نمی‌دهد یا فقط در حد اعتقادات شخصی خود آن را پی‌گیری می‌کند. این هم عامل چهارمی است که باعث شده عملیات بانکی به گونه‌ای که انتظار می‌رود، اجرا نشود.

پویا: موضوع دیگری که فکر می‌کنیم لازم است به عنوان آخرین موضوع مطرح کنیم و بحث را تمام کنیم، مسأله دولتی بودن بانک‌ها است، اگر ما روح تعالیم اسلام را در نظر بگیریم که نظام اقتصادی و تعالیم اقتصادی هم جزئی از مجموع آن است، شاید بتوانیم به جرأت بگوییم که اسلام نخواست که دولتی را حاکم بر مردم کند که همه کارها را انجام دهد و جالب این که، در بسیاری از عرصه‌ها خود مردم به حدی می‌رسند که فعالیت‌ها را به نحو صحیح انجام می‌دهند در قرآن هم آمده است که خود مردم، قائم به قسط و عامل احکام خدا بشوند، در همه زمینه‌ها و از جمله مسأله اقتصاد خودشان هم ناظر بر احکام باشند. اسلام نخواست که دولت اسلامی تمام فعالیت‌های مردم را کنترل کند ولی یک سری اختیارات به دولت اسلامی داده، برای تصحیح خطاهای مردم، جلوگیری از تخلفات

جهت دادن صحیح به مردم در جایی که ضروری است دخالت کند
موسویان: از جهت نظری دو تا استدلال برای دولتی بودن بانک‌ها مطرح می‌شود استدلال اول درباره اجرای صحیح

عقود بانکی است. گفته می‌شود اگر اجرای عقود را به بخش خصوصی واگذار کنیم، از آنجایی که این بخش دنبال سود و منافع مادی است، چه بسا در اجرای صحیح عقود شرعی کوتاهی کند و معاملات صوری شود. این دیدگاه، دیدگاه درستی نیست، نه کارگزاران دولتی متدین‌ترند که بگوییم به خاطر تدین بیشتر، در عقود شرعی، بیشتر رعایت می‌کنند و نه اینکه صرف دنبال سود بودن باعث می‌شود که معامله، معامله غلطی باشد. اسلام سود را می‌پذیرد و روی مبلغ سود هم نرخ‌های عادلانه را قبول می‌کند. بنابراین اگر ما براساس عقود شرعی عمل کنیم، هم سودمان تأمین است و هم آن سودی که در نظر داریم بر اساس کشش بازار تأمین می‌شود. پس این دیدگاه که اگر بانک، دولتی باشد حتماً معاملات شرعی‌تر خواهد بود، دیدگاه درست و قابل دفاعی نیست. ممکن است یک بانک،

و تفاوت آن را با قرض ربوی هم می‌دانند، همه اینها درست؛ اما وقتی این معاملات در فضای بانک، قرار می‌گیرد که ماهیت داد و ستد پولی دارد، در اینجا فهم آن برای مردم و حتی برای کارگزاران بانک مشکل است.

لذا کارگزاران بانک، این عقود در بانکداری را باید آموزش ببینند، مردم هم از طریق وسایل ارتباط جمعی نظیر رادیو، تلویزیون، روزنامه و حتی منبرها و مجالس مذهبی به صورت سوال و جواب فعالیت صحیح بانکداری از طریق اجرای عقود را آموزش ببینند گذشته از این، باید بزرگی گناه ربا تفهیم شود - هم برای کارگزاران بانک، هم برای مردم - که مبادا به خاطر سهل و آسان بودن ظاهری ربا، احکام شرعی زیر پا گذاشته شود.

عامل چهارم، عدم نظارت و کنترل از طرف بانک مرکزی است. طبق قانون عملیات بانکداری بدون ربا، بانک مرکزی موظف است بر اجرای صحیح عقود و انجام صحیح معاملات بانک‌ها نظارت و کنترل کند. متأسفانه در این بُعد سیستم نظارتی صحیحی نمی‌بینیم. در عمل هم کمتر دیده یا شنیده‌ایم که بانکی یا شعبه‌ای از جهت

پس این دیدگاه که اگر بانک، دولتی باشد حتماً معاملات شرعی تر خواهد بود، دیدگاه درست و قابل دفاعی نیست. ممکن است یک بانک دولتی باشد و ناصحیح عمل کند و ممکن است یک بانک، خصوصی باشد و صحیح کار کند

شرعی مورد بازرسی قرار گیرد و از عملکرد آن پنج یا ده اشکال گرفته شود. با آمارگیری که از بانک‌ها به عمل آمده براساس مطالعات و تحقیقات میدانی که در تهران انجام شده، اکثر قراردادهای مضاربه صوری است، حالا یا از جهت موضوع، صوری است - یعنی گیرنده مضاربه اصلاً تاجر نیست - یا از جهت زمینه بکارگیری آن سرمایه، صوری است، یعنی گیرنده تاجر بوده ولی این پول را نه برای تجارت بلکه برای کار دیگری می‌خواسته. در بعضی موارد هم، از جهت موضوع و زمینه، صوری نیست اما مدت و زمان انعقاد قرارداد صوری است و در برخی موارد هم، نرخ‌های اعلام شده صوری است بنابراین این اکثر قراردادهای حداقل از یک جهت، صوری است و باعث شده معامله‌ها غیر واقعی بشود و هیچ کنترل و نظارتی هم در این زمینه از طرف بانک مرکزی صورت

سخن آخر

شماره اول نشریه در حالی که به لحاظ شکلی و ویرایشی، مشکلاتی داشت، مورد استقبال اکثر عزیزانی که نشریه به دستشان رسید، قرار گرفت.

از تمامی آنان که با پیشنهادات و انتقادات و تشویق‌های خود یاری‌مان دادند، بسیار سپاسگزاریم.

تلاش کردیم تا در شماره دوم، مشکلات نشریه را در حد میسر و امکانات موجود حل کنیم. مطمئناً با ارایه نقطه نظرات خود در خصوص شکل و محتوای نشریه، دوستان خود را در ارایه مجله‌ای بهتر و سامان‌یافته‌تر یاری خواهید کرد.

در خصوص توزیع نشریه نیز انتقاداتی داشتید که با راه‌اندازی دفتر توزیع و درج فرم اشتراک، امیدواریم این مشکل نیز حل شود.

لازم به ذکر است: به دلیل جدا بودن مکان‌های دفتر توزیع و دفتر نشریه، عزیزانی که می‌خواهند با ما مکاتبه داشته باشند و یا مقاله ارسال نمایند، لطف کرده مطالب خود را به وسیله دورنگار به آدرس دفتر نشریه ارسال فرمایند.

از هم اکنون منتظر نامه‌ها و آثار ارزشمند شما عزیزان هستیم.

پویا

تا حال گزارشی هم نرسیده که فلان کارخانه خصوصی، تخلف آنچنانی در اقتصاد داشته یا در آن حدی نیست که ملموس باشد.

پویا: نه تنها ملموس نیست، بلکه بیشتر تخلفات دولتی است.

موسویان: حداقل، بیشتر از دولتی‌ها نیست. در بحث صنعت بانکداری هم بحث اجازه ورود بخش خصوصی به صنعت بانکداری، این خیلی جای نگرانی ندارد. فقط باید قوانین روشنی تصویب بشود و بانک مرکزی هم کنترل و نظارت کافی، از جهت قانونی و سیاست‌های پولی، بر آن بانک‌ها داشته باشد؛ اما بعد از آن خیلی جای نگرانی نیست.

اما وقتی بحث خصوصی کردن بانک‌های دولتی است، همان مشکل - که شما در صنعت و در بخش‌های دیگر مطرح کردید - همان نگرانی و دغدغه به صورت جدی در اینجا هم وجود دارد.

پویا: مسأله‌ای که خیلی مهم است این است که، سوء عملکردها در حکومت اسلامی به اسم اسلام تمام می‌شود، در حالی که محتوای این گفتگو نشان می‌دهد همه سوء عملکردها ناشی از عمل نکردن به احکام و مقررات اسلام است هر جا به آن‌ها عمل کرده‌ایم، آثار مثبت آن را دیده‌ایم و هر جا هم عمل نکرده‌ایم، آثار منفی‌اش را دیده‌ایم و این نکته خیلی مشهود و روشن است ولی به خاطر تبلیغات منفی فراوانی که شده، متأسفانه خیلی وقت‌ها از آن، برداشت درست نمی‌شود، به نظر می‌رسد یکی از رسالت‌های مهم ما این است که مردم را از آثار عمل به دستورات اسلام آگاه سازیم، امیدواریم که این مصاحبه قدمی در جهت روشنگری در این زمینه باشد. از شما هم خیلی متشکر هستیم که در این مصاحبه شرکت کردید؛ در پایان اگر به نظر شما مطلبی باقی مانده که طرح نشده بفرمائید.

موسویان: مطلبی که فرمودید بجا و صحیح است. ما باید کاری کنیم مردم وقتی به عملکرد مسئولان نظام نگاه می‌کنند، واقعاً همان نورانیتی را که در تعالیم و احکام اسلام است، ببینند و حس کنند. متأسفانه در بسیاری از موارد، فاصله زیادی بین تعالیم اسلام و عملکردها دیده می‌شود و از آنجا که تعالیم اسلام، همه برخاسته از نیازهای حقیقی انسان‌هاست، اگر این معاملات به صورت صحیح و واقعی اجرا شود، آثار واقعی و اقتصادی خود را بر جامعه می‌گذارد، و باعث شکوفایی، رشد و ترقی جامعه می‌شود ان شاء الله.

پویا: از قبول زحمتی که فرمودید سپاس گذاریم.

سیاست‌های پولی، بانک‌ها را کاملاً تحت کنترل خود در بیاورد. پس از این جهت هم نگرانی در آن حد نیست، ما می‌توانیم بانک‌های فعال دولتی و در کنار آن بانک‌های خصوصی، زیر نظر مستقیم بانک مرکزی داشته باشیم.

بحث اینکه چرا اصلاً بانک‌های ایران دولتی شدند، به جای جنبه‌های تئوریک بیشتر جنبه‌های تاریخی دارد. در اوایل انقلاب، بانک‌های خصوصی همه مشکل داشتند؛ یا بدهکار یا در آستانه ورشکستگی بودند یا این که صاحبان آن‌ها آدم‌های فاسدی بودند که فرار کرده بودند و چاره‌ای جز دولتی کردن بانک‌ها نبود.

پویا: نکته این است که در عمل، تجربه موفقی در زمینه نظارت نداشته‌ایم یعنی دولت در همین خصوصی سازی خوب عمل نکرد

موسویان: بحث خصوصی‌سازی اصلاً مطرح نیست، بحث سوء استفاده در همان عرصه دولتی است. درباره نکته‌ای که شما مطرح کردید که در اقتصاد ایران، خصوصی سازی جواب نداد، دو تا بحث وجود دارد: یکی اجازه تأسیس بنگاه‌ها و شرکت‌های خصوصی است بدون اینکه چیزی را از بیت‌المال به فروش برسانیم یا مالکیت دولتی را به خصوصی تبدیل نکنیم فقط اجازه می‌دهیم در کنار بانک‌ها و شرکت‌های دولتی بانک‌های خصوصی هم با سرمایه خصوصی افراد حقیقی و حقوقی شکل بگیرد، این شیوه نه تنها در ایران، بلکه در خیلی از کشورها تجربه موفقی داشته و مشکل‌ساز هم نبوده است اما شیوه دیگر که محل بحث بوده و نتیجه بد داده، این است که بعضی از شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی دولتی به قیمت‌های تقریباً مفت، به اشخاص خاصی واگذار شده است که در حقیقت خصوصی سازی نشده، بلکه به اصطلاح معروف شخصی‌سازی شده است، مثلاً با ساخت و پاخت‌ها و فروش‌های صوری و غالباً کمتر از قیمت‌های حقیقی، اموال و دارایی‌های عمومی و دولتی به اشخاص مشخصی منتقل شده، و چه بسا شخص، بعد از انتقال مالکیت کارخانه، آن را منحل کرده و زمینش را به برج‌سازان فروخته است! این نشان می‌دهد که از ابتدا قصد خصوصی‌سازی در کار نبوده، قصد شخصی کردن این دارایی و ثروت بوده است اینها است که مسئله خصوصی‌سازی را در ایران با مشکل جدی مواجه کرده است. اما اینکه الان دولت اجازه می‌دهد در کنار کارخانه‌های دولتی، که در زمینه‌های خاصی فعالیت می‌کنند، کارخانه‌های خصوصی هم راه بیفتد شیوه موفقی است و